

افغان مینې مارکیت عرضه ککنده انواع مواد خوراکه وطنی

یگانه مغازه افغانی درمنطقه واشنگتن بزرگ که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبیت تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با **Western Union** 6566 Backlick Rd.Springfield, VA 22150 Tel:703-644-0186 Celf:703-499-3313

جوانترین و شایسته ترین همکار جریده امید دعوت الله را عاشقانه پذیرا شد

۲۵ نومبر/وود بریج ـامید: وسایل ارتباط جمعی درورجینیاخبر دادندکه حدود ساعت هشت شام امروز، میت مردجوانی رالز رودخانهٔ اکاکوان شهرستان وودبریج به شفاخانه انتقال دادند، که در همان اولین لحظات فرو رفتن در رودخانهٔ اکاکوان به رحمت حق پیوسته بود. انالله واناالیه راجعون .



شادروان انجنیر محمدعصیم کوشان

آن مردجوان، حاجی انجنیرمحمدعصیم کوشان بود، جوانمردی که ازنخستین شمارهٔ هفته نامهٔ امید، ازسال ۱۹۹۲ تا شمارهٔ ۱۰۰۸ درسال ۲۰۱۵، تمام مسئولیت صفحه پست، طرح ودیزاین آگهی ها، تهیهٔ لسٔ مشترکان ارجمند جریده، تماس با آگهی دهندگان جریده رابه حیث General Managerبه دوش داشت، واین وظیفه را باکمال شوق وعلاقه ومسئولیت پذیری خاص خودش به پایان رسانید، درحالیکه روزانه وقت فراوانش را صرف عبادت خدایش ودروس فاکولته اش می کرد. شرح حال کوتاه آن همکار وسرور گرامی را درصفحهٔ هفتم همین شماره مطالعه بفرمایید .

سوءقصد بر احمد سعیدی ناکام شد

۲۸ نومبر/کابل ـ باختـر: محمدعلم ایزدیارنایب اول مجلس سنا، باشماري از سناتوران وو کلاي شورای ملی امروزبتاظاهر کنندگان که درجوار شوراتجمع نموده بودند دیدن کردند. مظاهره کننده گان بالا رابه قطعه نامه بجان احمدسعیدی راحمله محکوم نموده،خواهان شناسایی ومحکمه عاملان این سؤقصددشدند. ایزدیاراین عمل تروریستی را بشدت محکوم نموده،اما،بنکه آقای سعیدی ازاین حادثه جان به سلامت برده ابراز خرسندی نمودوافزود احمدسعیدی یکی از چهره های شناخته‌شده در میان تحلیلگران ونویسندگان کشورویکتن از منتقدین حکومت محسوب میگردد که باجدیت ازضعف وعملکردهای حکومت ومقام های حکومتی انتقاد می نماید.ایزدیاراطمینان داد که درجهت پیگیری قضیه ازهیچگونه سعی وتلاش دریغ نورزد.

احمدسعیدی چند روزقبل درچهارراهی حاجی یعقوب، در شهرنوکابل هدف گلولهٔ مردان موترسایکل سوار قرار گرفته وزخم برداشت .

۵۰ طالب در درگیری میان خود کشته شدند

۸ دسمبر/هرات ـبی بی سی: در درگیری میان طالبان وفاداربه ملا اختر منصور ونیروهای ملا محمدرسول در ولسوالی (سبزوار)شیدند، بیش از ۵۰ طالب کشته شده‌اند. احسان الله حیات، روز سه‌شنبه ۱۷قوس (آذر)، درنشت خبری گفت که بیشتر افراد کشته‌شده از نیروهای ملا محمد رسول بوده‌اند. پس از گزینش ملا منصوربه رهبری طالبان، شماری افرماندهان طالب از قبول این تصمیم سر باز زدند و ملامحمد رسول را به سرپرستی خود برگزیدند. از آنزمان تاکنون گزارش‌هایی از درگیری میان این دو گروه رقیب در نقاطی از افغانستان منتشر شده است.

یک مقام امنیتی محلی وقوع این درگیری را تایید کرده اماشمار کشته ها را بیش از ۴۰ نفر عنوان کرده است. قاری یوسف احمدی، یک سخنگوی طالبان برهبری ملا اخترمنصور، با ارسال خبرنامه به رسانه‌ها ادعا کرده که این درگیری به دنبال حمله گروهی ازاربکی‌ها و اختطاف گرالآ به طالبان آغاز شده است. احمدی کشته شدن ۸طالب را در این درگیری تایید کرده اما گفته که این نیروها موفق شده‌اند حمله را دفع کنند.

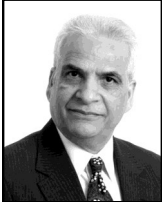
گروه طالبان وفادار به ملا محمد رسول تا کنون در این مورد ابراز نظر نکرده است و تلاش های بی‌بی‌سی برای تماس باسخنگویان این گروه بی نتیجه ماند .

بسم خدا

شمارهٔ ۱۰۰۹

بیمه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

STATE FARM

Auto

Life

Fire

INSURANCE®

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت

گشایش پنجمین نشست کشورهای قلب آسیا

۸دسمبر/ضلال آباد ـ تلویزیون نور: پنجمین نشست مقامهای ارشد کشور های روند قلب آسیا امروزدراسلام آباد پایتخت پاکستان گشایش یافت. درین نشست بشمول صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجه کشور، وزیران خارجه ۱۴ کشور عضو و ۱۷کشوردیگر بشمول امریکا و روسیه و ۱۱سازمان جهانی بشمول ملل متحد اشتراک دارند. هدف ازین نشست بحث روی تأمین امنیت، مسایل اقتصادی و مبارزه با تروریسم در منطقه گفته شده است. حکمت خلیل کرزی معین سیاسی وزارت امور خارجه گفت برای از میان برداشتن تروریسم و علل آن نیاز است تا کشورهای منطقه کوششهای خود را دوبرابر کنند،ما باور داریم که امروز، بیشتر ازرهزمان دیگر، شرایط منطقی وین المللی ایجاب می کند که ما باید تلاشهای مشترک خویش را در مبارزه باتروریسم و افراط گرایی و از میان برداشتن علل آن دوبرابر کنیم و برای اطمینان از داشتن یک منطقهٔ با ثبات بهترورفاه اجتماعی واقتصادی، باید بصورت مشترک تلاش کنیم.”

سرتاج عزیز مشاورامورخارجی نخست وزیر پاکستان گفت این نشست فرصت آنرا فراهم میسازد تا باگسترش همکاریها به منظورصلح وثبات در افغانستان وایجادیک منطقه امن ومرفه گامهای عملی وموثر برداشته شود. عزیز افزود: “روند قلب آسیایک بستر موثر درجهت ارتقای همکاریهای اقتصادی منطقه واتصال در منطقه قلب آسیا بامحوریت افغانستان است. این پروسه فرصت آنرا برای کشورهای عضو فراهم می سازد تا باگسترش همکاریهای نتیجه بخش، به منظورصلح وثبات در افغانستان و به صورت کل ایجاد یک منطقه امن و مرفه، گام های عملی و موثر بردارند.”

قرارست در روزدوم این نشست محمداشرف غنی نیزاشتراک کند. خیر الله آزاد معاون سخنگوی وزارت خارجه میگویددر حاشیه این نشست درمورد روند صلح افغانستان نیزبحث خواهد شد. سلسله برگزاری نشست مقامهای ارشد روندقلب آسیا در سال ۲۰۱۱از استانبول آغاز شد و کشورهای افغانستان چین و قزاقستان و پاکستان تاکنون میزبان نشست های این سازمان بوده اند.

احمدزی در نشست قلب آسیا از پاکستان شکایت کند

۷دسمبر/کابل ـ تلویزیون نور: شماری از اعضای مجلس نمایندگان میگویند رئیس جمهورغنی باید درنشست سران کشورهای قلب آسیا شرکت کند. آنان تاکید میکنند که غنی دراین نشست از موضع قدرت در برابر مداخلات پاکستان در امور افغانستان صحبت کند.قرارست (چهارشنبه ۸قوس/آذر) همین هفته، اسلام آباد میزبان نشست سران کشورهای روند قلب آسیا باشد. شماری از آگاهان سیاسی نشست قلب آسیا را فرصت مناسبی برای نزدیک شدن افغانستان و پاکستان در جنگ با هراس افکنی می دانند.

وکیل سید اکرام گفت نشست روند قلب آسیا فرصتی است برای ایجاد همگرایی، تحکیم روابط دوستانه و استحکام ائتلاف های منطقی. او از غنی میخواهددرنشست در رابطه به مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان پرده بردارد. اعضای مجلس نمایندگان پاکستان رامتهم میکنند که به شکل بی پرده در امورداخلی افغانستان مداخله میکند. عبدالرحیم رهین وکیل مجلس گفت رئیس جمهور باید توجه کشورهای منطقه و جهان را در قطع مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان جلب کند.

کمک بانک انکشاف آسیایی در بخش انرژی

۸دسمبر/کابل ـ تلویزیون نور: بانک توسعه آسیایی برای حمایت از طرح تامین انرژی در افغانستان، ۲/۱میلارد دالره افغانستان کمک خواهد کرد. این بانک بانشر اعلامیهٔ گفت این پول میتواند برنامه ملی ده میلیارد دالری تامین انرژی افغانستان را کمک کند. تکمیل شدن برنامه ملی تامین انرژی افغانستان، کمک بزرگی به رشد اقتصادی و فقرزدایی خواهد کرد. ۲۷۵ملیون دالر، ازجمع کمکهای این بانک، برای پرداخت درسال۲۰۱۵ اختصاص داده شده، و بقیه آن تا سال ۲۰۲۵پرداخته خواهد شد.

باسند ومدرک ”انتحاری جهانی” را بشناسید!

اول دسمبر/کابل ـ سایت همایون: ریاست شورای وزیران ریاست اجرایی، در جلسه ۲۵عقرب خود دستور بازداشت آنچه از کارمندان دولت و ماموران امنیتی را صادر کرده است که در تظاهرات ۲۰عقرب موسوم به تظاهرات “تبسم” شرکت کرده بودند. این ریاست به تمام وزارتها و ادارات دولتی دستور داده است، در صورت که مدارکی دال بر شرکت کارمندان آنها در این تظاهرات در دست دارند، هر چه زودتر برای پیگرد قانونی آنها اقدام کنند. وزارت اطلاعات و فرهنگ طی مکتوبی به ریاست منابع بشری این وزارت دستور داده است که هر چه زودتر در این مورد اقدام کند. این مکتوب که به امضای عبدالباری جهانی، وزیر اطلاعات و فرهنگ رسیده مشخصا به بند ۶ فیصله ریاست شورای وزیران اشاره شده است. در مکتوب آمده : “وزارتها و ادارات دولتی مکلف اند با آنچه از کارمندان رسمی دولت و بعضی از منسوپن قوای امنیتی که در تظاهرات تاریخ ۲۰ و ۲۱عقرب ۱۳۹۴ شرکت کرده و موارد اثباتیه موجود باشد، مورد بازپرس قرار داده و اقدامات قانونی نمایند.” بدنبال سربریدن ۷گروگان بشمول دو زن ویک دختر ۹ساله در زابل از سوی شورشیان، صدها هزار نفر در کابل با حمل اجساد قربانیان در برابر ارگ ریاست جمهوری تظاهرات کردند. معترضان سران حکومت را به کم کاری در رهایی گروگان ها متهم کرده و خواستار استعفاي آنها شده بودند، این تظاهرات در تاریخ افغانستان کم سابقه خوانده شد .

احمدزی در پیامی گفت که او برای رهایی گروگان ها تلاش کرده است و اتهامات تظاهر کنندگان مبنی بر کوتاهی حکومت در رهایی گروگان ها را رد کرد. محمد محقق، معاون دوم ریاست اجرایی، اما تظاهر کنندگان را افراد کوچ و بازاری خواند و گفت که آنها در زمین بویا و در آسمان ستاره ندارند.

متمنه نامه مردم افغانستان

شمارهٔ چهاردهم /سال بیست چهارم / جمعه ۲۰ فوس ۱۳۹۴ / ۱۱ دسمبر ۲۰۱۵ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۰۹

تاج گل هایی راکه بعد از مرگ برمزارم می گذارید، خوش می شوم اگر حالا که زنده ام، چند شاخهٔ ان را برایم بیاورید ! (شکسپیر)

تا زنده ام لطف خود از من مکن دریغ

بعد از وفات کس به کس احسان نمی کند (؟)

حملهٔ طالبان به محوطه نظامی فرودگاه قندهار

۸دسمبر/قندهارـبی بی سی: مقامات قندهار گفتند گروهی از شورشیان مسلح وارد یک محوطه نظامی در نزدیکی فرودگاه قندهار شده اند. صمیم خپلوک گفت: شورشیان در یک مکتب جایجا شده بجانب فرودگاه قندهار تیراندازی میکنند. درین درگیری ۹نفر کشته و ۲۰نفرزخمی شده‌اند. آنان جزئیاتی در مورد اینکه کشته و زخمی‌های این حمله چه کسانی هستند، ارائه نکردند. نیروهای ویژه ارتش افغانستان به محل رفته‌اند و نبرد میان آنها و شورشیان همچنان ادامه دارد.

مقام‌های محلی پیشتر گفته بودند آنها فکر میکنندمهاجمان سه نفر هستند و حمله حدود ساعت ۳۰:۶عصر آغاز شدومهاجمان به کلاشینکوف و نارنجک مسلح هستند.شاهدان عینی گفته‌اند که پیش از آغاز تیراندازی صدای دو انفجار در محل نیز شنیده شده است و اکنون دود غلیظی از فراز این مکتب بلند شده است. محوطه‌ایکه شورشیان وارد آن شده‌اند، شدیداً محافظت می‌شود ودر آنجاقلل اردو، زن سرحدی، منازل مسکونی نیروهای امنیتی و پایگاه نیروهای امریکا قرار دارد.

پیشتر گفته شده بود پروازها در فرودگاه متوقف شده‌اند اما سید احمدالله فیضی، مسئول فرودگاه گفت تنها یک پرواز که قرار بود از قندهار به کابل برود، به دلیل مشکلات فنی در برنامه پرواز، با تاخیر روبرو شده است.

بازداشت نامردی به اتهام ربودن زنان و تجاوز به آنها در کابل

۸دسمبر/کابل ـبی بی سی: وزارت داخله از بازداشت مردی به اتهام ربودن زنان و تجاوز جنسی به آنها در شهر کابل خبر داده‌اند. جنرال ظاهرظاهر، رئیس جنایی وزارت داخله امروزدرنشست خبری گفت این فرد درده‌ها مورد اختطاف وتجاوزجنسی به زنان دست داشته و پلیس ازمدت‌نی بیش درصدد بازداشت او بودند. همراه باوی ۸تلفون نیز بدست افتاد در آنها عکسها وفلمهای زیادی از قربانیانش وجود دارد. متهم فروشگاه مو تر داشته از وضع مالی خوب برخوردار بوده است.

رئیس جنایی افرو داین مردحدود چهارماه یش نیز به اتهام ربودن دختر موردعلاقه جوانی به نام فیروزبازداشت شده بود اما در آنزمان این دختر گفته بود که به رضایت خود تن به ازدواج با این مرد داده است. حدود چهارماه قبل جوانی به نام فیروز در میدان دیوانگان نزدیک ارگ خود را آتش زد. این جوان مدعی شده بود که افراد زورمند دختر مورد علاقه‌اش را ربوده و به او تجاوز کرده‌اند. فیروز به دلیل شدت سوختگی درگذشت. آقای ظاهر گفت حالا مشخص شده که آن دختر نیز با شگردی مشابه مجبور به ازدواج با این مرد شده است.

جنگ قندز در آمد شیرخان بندر را نصف کرد

۷دسمبر/قندزـ صدای امریکا: مقامهای ولایت قندز گفتند سقوط کوتاه مدت مرکز آن ولایت بدست طالبان، از اواخرسپتمبر به اینسو منجر به کاهش شدید صادرات و واردات از طریق بندر شیرخان شده است. شهاب الدین باور رئیس گمرک بندر گفت در دوماه گذشته درآمد آن بندر حدود ۱۶۰ملیون افغانی کاهش یافته، در آمدشیرخان بندر ۵۰درصد کاهش یافته و ۸۰درصد کاروبار در این گمرک کم شده است.

شیرخان بندر یکی از مهمترین راه های ترانزیتی افغانستان است که بخش عمدهٔ کالا های تجارتي به تاجکستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی از این طریق وارد و صادر میشود. رئیس گمرک شیرخان بندر افزود پس از رویداد قندز، بندر به حالت عادی برگشته و شماری از تاجران سرمایه های شانرا به ساحات دیگر یا کشورهای خارجی انتقال داده اند.

مقامها هشدار میدهند که با ادامهٔ وضعیت کنونی، سایر تاجران نیز مجبور خواهند شد سرمایه گذاری و داد و ستد شان را از طریق بندرهای دیگر سر و سامان دهند. فضل احمد خاَلقی، تاجری که از طریق شیرخان بندر صادرات و واردات دارد گفت شیرخان بندر با ر کود مواجه است و با فرار سرمایه گذاری ها، صادرات و واردات در شیرخان بندر به نصف تقلیل یافته است.شمار دیگری از تاجران با تاکید بر اهمیت ترانزیتی شیرخان بندر برای افغانستان می گویند که حکومت باید برای تامین امنیت این بندر و مسیرهای منتهی به آن اقدام جدی کند.

محمدقسیم جنگلباغ قوماندان امنیه قندز گفت حالاتمام راههای ولایت قندز تحت کنترل نیروهای امنیتی قرار داشته مردم میتوانند شب و روز در هر مسیری که خواسته باشند رفت و آمد کنند. شهر قندز تقریبا دو ماه پیش برای مدت کوتاه بدست طالبان افتاد، هرچند طالبان در جریان کمتر از یک هفته به کلی از شهر بیرون رانده شدند، اما این رویداد زبان هنگفت مالی را به مردم عادی و تاجران آن ولایت وارد کرد.

بربنیاد برخی گزارشها هنوزهم طالبان دربرخی ساحات ولایت قندز فعال اند که تهدیدی را متوجه امنیت سرتاسری آن ولایت ساخته اند .

در قندهار ۳۷ملکی و ۹مهاجم کشته شده‌اند

۹دسمبر/قندهارـبی بی سی: مهاجمان انتحاری ازشامگاه دیروزبه تیراندازی به سوی تاسیسات فرودگاه قندهار آغاز کردند. وزارت دفاع اعلام کرد تلفات حمله مهاجمان انتحاری به ۳۷کشته و ۳۵زخمی رسیده، درحالیکه ۱۱مهاجم انتحاری ساعت ۳۰:۵شامگاه دیروزبه این محله غیرنظامی، که شامل تعدادی خانه مسکونی، بازارومکتب می‌شود، حمله کردند، و تا حال ۹مهاجم کشته، یک مهاجم دیگر زخمی شده و فرد بازدهم هنوز به در گیری با نیروهای امنیتی ادامه میدهد.در جریان نبرد بین این مهاجمان و نیروهای امنیتی ۳۷غیرنظامی کشته و ۳۵غیرنظامی دیگر زخمی شدند، اما جزئیات بیشتر نداده اند .

دا کتر عبدالوهاب هادی ژورنالیست واستاد سابق حقوق وعلوم سیاسي

تقاضای مردم برای اختتام حکومت وحدت ملی!

تظاهرات در کابل وبعد درزابل وغزني، دراحتجاج په مقابل سربېرډۀ شدن هفت افغان، بشمول دوزن ویک کودک، که سیرت پلید دهشت افگنان اجیر پاکستان را باردیگر آشکار ساخت، وقتی موجب خشم شدید مردم علیه حکومت درسایرولایات گردید که سران دو گانۀ (حکومت وحدت ملی) دربرابر مظاهرهٔ آرام دهها هزار نفر که تنها شعار میدادند: (حکومت به این عمل وحشیانۀ دشمنان رسیدگی کند، از وقوع مجدد آن جلوگیری نماید وعاملین آنرا به سزای اعمال فجیع شان برساند، در غیر آن باید ازوظایف شان استعفی بدهند)، امر به شلیک و رگبار گلوله داد وهشت تن شانرا که درجلو دروازهٔ جنوبی ارگ، اجساد قربانیان زابل رابر دوش میکشیدند، آماج قرارداد وزخمی ساخت.

تظاهرات ۱۱ نومبر در کابل وروزبعد دردیگر ولایات، به نظر جمع کثیر ناظرین، یک حادثۀ مجرد ومنحصر بخود نبود، بلکه محصول تحمل مصایب ودشواریهای مردم وصدها غلط کاریهای حکام ودر نهایت نمادی از هزارها یأس و بیچارگی بیشین ملت مظلوم افغان بود، که بعداز ۴۰سال مشاهدات ناهنجار بپا و به سرعت رفتنهای ملیار دهادالر پولهای تعاونی دول کمک دهنده بنام شان، بخصوص ازطرف ایالات متحده، کشورشان مشهور به داشتن زیادتین اختلاس و دزدنهای حکومتی، بیشترین فساد اداری، بالاترین میزان فرار سرمایه ها واز جمله محل بزرگترین رقم زرع وقاچاق ومادمخلر جهان گشته وبه سرزمینی مبدل شده که بجای ارتقای حیات همگان، به یک کشور منقسم به اکثریت فقرا و اقلیت پولدارها تبدیل یافته است، وطبعاً صدها برای استعفای حکومت بیش از هروقت دیگر بالاگرفته است .

عکس العمل رهبران حکومت جدید به مقال منتقدین، که بدون تردید باید نتیجۀ مشاهدۀ اوضاع پیشینی آنهایی بود، در کشوریکه برغم همه پریشانهالی ها قادر شده تا به مدد دول کمک دهنده واعمال فشار آنها، دارای ده ها تلو یزیون شخصی وغیر دولتی وزباده از یکصد رادیوی آزاد و بیش از ۲۰۰ روزنامۀ غیر رسمی باشد، برخلاف انتظار شدید وغیر مقتضی بود وبر رهبران حکومتی بود که باخود باید حساب میکردند و طرح میچیدند باحواط تظاهرات مردم چگونه باید بر خوردمیکردند، و حتی الامکان به قلبهای معصوم وزخمی مردم مرهم میداشتند وباسیاست ودرایت آنها را آرام و طرفدار پلانهای بعدی خودشان میساختند. اما به این امر ساده مبادرت نکردند ونشان دادند که اشکالات داخلی حکومت طی یکسال وجندها اخیر فرصت هر گونه عمل موثر منجمله رسیدگی به یک حادثۀ از تظاهرات دمو کراتیک مردم را که درقانون اساسی کشور اجازهٔ آن داده شده، از آنها زدوده است! نتیجه اینکه هم کاسۀ صبر مردم لبریز گشته ودیگر قادر نیستند وضع روبه خرابی کشور شانرا تحمل کنند، وازسوی دیگر درماندگی حکومت دارای دوروبر ودونوع ادارهٔ دولتی، بانزول ممتد گراف امنیتی واقتصادی که بدان اکنون به شدت فاجعۀ فرار هزارها درهمزار جوانان تحصیلاقیۀ افغان به خارج افزوده شد وروزی نمیگذرد که به صدها تن شان نسبت نبود کار از کشور شان فرار راه نافرجام اقامت در کشورهای دیگر رادر پیش میگیرند، و بر غم وماتم خانواده هایشان می افزایند.

بنده میخواهم درین نوشته، نخست در مورد ادعاهای مردم وبعدهم در بارۀ اشکالات طبیعی رهبران دو گانۀ حکومت مطبئی رابعرض برسانم و بعد خطاب به هردو نکاتی چند را تذکر بدهم: در آغاز میخواهم نکات چندی از افکار عمو می مردم را تقدیم دارم، که طی سه بار مسافرت م کابل وچندولایت دیگر، که تازه ترین آن به پایتخت مصادف به پایان مبارزات انتخاباتی برای ریاست جمهور حکومت فعلی بود، آنها را یاد داشت کرده بودم، یادداشتهایی که از صحبت با نمایندگان اقشار مختلف که امروز می بینم تذکر آن برای قارئین این مضمون حتی است، تا شود برای جلوگیری از وخامت بیشتر اوضاع برای هموطنانم مصدر کمک گردد. هموطنان که بمیین اعتمادشانرا بر حکومت ودر مجموع بر دولت اذ دست داده اند، که به نظر من خطرناکترین امری است که در جامعه و یک کشور میتواند بروز نماید، با مطالعهٔ فکر روان مردم، یک چیز برایم روشنتر شده میرفت. مردم از بی امنی فزاینده، از پریشانهالی خودشان دریک قضای اقتصادی که معلوم نبود دولت میخواهد با آن چه کار کند، هراس ازمأمورین دولتی ومیزان اختلاس درین حلقات عالیرتبه، شیوع یجدو حصر ارتشا ورشوه دهی که اکثریت نادار را روز بروز در حاشیۀ اجتماع قرارداده، ومعلوم نیست آیندۀ آن وضع بکجا خواهد کشید، تشویش از پلیس وافراد امنیتی که بجای احساس امنیت، مردم از ایشان احساس خوف وهراس میکنند، وترس از ییکاری زایدالوصف که دیگر نمیتوان پهنای وسیع آنرا اندازه گیری کرد. همه می بینند که روزانه در جلسوفارتها مردم اکثر جوان وتعدادی هم از سالخوردهگان صف بسته و باغ پرداخت رشوه های گزاف اجازه میبایند تقاضای شانرا بداخل سفارت وقونسلگریهای دول دیگر بفرستند، وبعد باپرداخت هزارهادرالر که رقم آنرا اخیرا در حضور خانم مرکل صدراعظم آلمان در برلین ۲۵ هزار خوانند و خطرناک توصیف کرد، را مرزهای کشور شانرا درپیش میگیرند، وحکومت غیراز مشاهدهٔ این تراژدی، پلای راسراغ نمی بیند که آنها را نخست در کشورشان نگهدارد وبعد با سرعت تمام زمینۀ اعاشه و زندگی سودمندی را برایشان تکاپو نماید. غیر قابل قبول نیست اگر گفته شود امروز در افغانستان عزیز، پرغم سرازیر شدن بیش از یک تریلیون دالر امریکایی که تقریبا نصف آن ظاهرا خرج هزینه هاوما یحتاج شدید مردم شد، بیش از ۳۴٪ مردم درخط پایین فقراتصادی بسر میبرند و ضخامت قشر متوسط مردم کمترین درجهان است، ولی درمقابل فرار سرمایه های بادآورده برای مسئولین ومتنفذین به خارج پیداد میکند، و بانکهای خارجی با حجم وسیع آن پولهای می تر که! جای تعجب نیست اگر به گفتهٔ افغانها میزان معتادین جوان به مواد مخدر وبخصوص تریاک وهیروین به دولسیون رسیده است، رقم بی خانه هادر پایتخت کشور که گویند در حال حاضر زیادتر به شش ملیون رسیده، بشدت محسوس است، وخانواده های متعدد در یک سرای وحوبلی ویک آپارتمان خرد چند اتافقه زیست میکنند، وی جهت نیست اگر گفته شود که مردم مظلوم شهرهای کابل و ولایات نسبت تنفس هوای آلوده به خاک ودود، دچار امراض گوناگون روی اند وبیم آن میرود که سطح اوسط حیات وعمر مردم دوباره سیر نزولی اختیار کرده باشد. شرح این تصویر عمو می رادر همین جامتوقف میسازم، وبرای اختصار کلام و رعایت ظرفیت چاپی جریدهٔ معتبر امید، میروم به شرح شکایات(دنباله در ستون دوم)



Omair Weekly
P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمد قوی کوشان

پروفیسر دا کتر حمید هادی

رالی - کرولاینای شمالی

قضاوت شمشير و حاکميت قبیله

دروزرگاری که کشور هندوستان در آتش افکار فلسفی بودامیسوخت، یکدهه مردم نزد بودا آمده و از او پرسیدند: بیاگو توجه هستی؟ آیا تو خدا هستی؟ بودا گفت: نه ! گفتند آیا تو فرشته هستی؟ بودا در جواب گفت نه، از او باز پرسیدند آیا تو از جملهٔ اولیاء هستی؟ بودا باز هم گفت نه ! پرسیدند: پس توجه هستی؟ بودا در جواب گفت: (من بیدار هستم) !

بودا در تحلیل فلسفی چارمنظره اش مشهور است. او بعد از اینکه قصر پرعظمت وجلال پدر را ترک گفت وروبوسی معنویات کرد ودر جستجوی حقیقت برآمد، چارمنظره جلب توجهش را کرد. در خارج از قصر پدر، در روزاول یک مرد بسیار پیر سالخورده، لاغر وناتوان را دید. در روز دوم مردی رامشاهده کرد که از شدت بیماری از پا در آمده وزمینگیر شده بود. در روز سوم جسد مرده ای رادر کنار سرک مشاهده کرد و در روز چهارم راهی را دید که موهایش را تراشیده، ردای نارنجی رنگ دربرداشت وتارک دنیا شده بود. بودا از جوار حقیقت خیلی آموخت واز ناپایداری جسم ودنیا مادیات آگاه شد.او دردوران عمرش فلسفۀ دو قطب مخالف یعنی تابع نفس شدن و کشتن تمایلات نفسانی یا ریاضت راتجربه کرد وتا اخیر عمرش آنچه حلاوسط ازین دو قطب مخالف بود، اختیار کرد وباتنویر افکار و یافتن حقیقت جهان را پدرو د گفت .

ملل جهان و کتله های بشری از بدو مراحل ارتقایی خود تارسییدن به سرحد تکامل دوره های مختلفی را پیموده اند. بشر از دوره های Paleolithic و Noelithic راه پیموده و ازدوره های Axial و Middle Age بالاخره به دورۀ تجدد یا Modernity رسیده است. این چنین انسانها در هر دوره وزمان دستخوش حوادث سیاسی، اجتماعی ومحیطی شده وگاهگاهی تا زبانهٔ ادیان افراطی را تحمل کرده اند. اما آن کتله هاییکه به مراحل پیشرفتهٔ تکامل فکری و روشنایی و آگاهی رسیده اند وانسانهای متمدن امروزی را تشکیل نموده اند، چون آهن آبدیده وصیقل خورده، از آزمون زمان برآمده اند. همین ملل متمدن بوده اند که در طول تاریخ پرفراز و نشیب شالودهٔ زندگی آنها از طرف رهبران ومردان پرفضیلت وتقوا پیریزی شده و رنگ گرفته است. این کتله های متمدن از موقعیت جغرافیای ومنابع طبیعی سرزمین های خوددر پیشرفت وبهبود زندگی شان استفادهٔ اعظمی برده ومصدر خدمت برای رفاه، امنیت وحمايت از حقوق مردم خود شده اند .

از طرف دیگر، کشورها و کتله های دیگری بشری موجودند که در طول تاریخ پراز دغدغه های سیاسی واجتماعی واقتصادی وفراز و نشیب روزگار توانسته اند بطور موثر بسوی مدنیت قدم بردارند. این گروه غرق دریسوادی وآغشته در جنگ، خونریزی ومصیبتهای اجتماعی دیگر چون غربت وامراض بوده اند. از همه مهمتر اینکه این گروه مردم بر علاوهٔ عوامل دیگر، بیشتر در جنگل بیرحم دین افراطی و ناسیونالیسم قبیولی گرفتار دست وبازده اند، ودین استفاده جو برجسم وروح آنها مسلط و آنها را مسخ نموده است. مثالهای بارز این دسته کشور ها، ممالک اسلامی شرق میانه وخصوصا کشور مظلوم افغانستان میباشد. برای توضیح بهتر دین افراطی وحاکمیت قبیولی، مختصرا دو رویداد اخیر رادر کشور افغانستان خدمت خوانندگان ارجمند تقدم می کنم :

داستان دو فرخنده ـ تمثیل دین وقبیله : در نویسندگی گاهگاهی ضرورت می افتد تا نویسنده پیام خود را در لابلای داستانی وبآگاهی به طرز واسلوب Allegoric با کشیدن پرده در روی سنج و تمثیل ماجرا مفهوم را به مردم ارائه کند. در داستانهای این دو فرخنده رازهای دلخراشی نهفته است .

فرخندهٔ اول : در روز نهم مارچ سال ۲۰۱۵ میلادی تاریخ کشور ما با بمیان آوردن محک آزمایش دین افراطی که ریشه اش در عرق فرهنگ مردم مظلوم ما فرو رفته است، ماهیت این عقیده کاذب و دروغین وغیر(دنباله در ستون سوم) *****

عمدهٔ مردم از حکومت وحدت ملی شان .

مردم شکایت دارند که هبران حکومت وحدت ملی، برخلاف آنچه که در انتخابات ریاست جمهوری باصدای بلند جهرمیزند و مدعی بودند که حکومت شان برخلاف حکومت سلف، (مبتنی بر قانون ودر خدمت قانون) خواهد بود، وخودشان (خدمتگار قانون اساسی ونو کر مردم دارای حاکمیت ملی) خواهند بود ! خودشان در اولین اقدام سرنوشت ساز برای خودشان ودر یک حرکت فاجعه بار برای مردم، قانون اساسی را زیر پا کردند وقوانین مربوط به انتخابات را نادیده گرفتند وخشت کجی را گذاشتند که تمبیر روی آن باید تا ثریا کج بالا رود ! مردم این امر را فال بد خواندند ونهال ترس وهراس از آیندۀ سیاسی کشور در همان هنگام در ضمیر وروح شان غرس شد، واعتمادی را که لازم بود، به حکومت نوین احساس میکردند، از همان آغاز اذ دست دادند. مردم دیدند پس از آنکه آرای چندملیونی شان دچار دستبازیها وخدعه وسیاه کاریها شدند، بجای اینکه از آنها دعوت شود، دریک اقدام شان سرنوشت حکومت روشن گردد، نامزدان انتخاباتی توسل به وزیر خارجهٔ امریکا کردند واز اوستمداد جستند وبکسره مردم خود را فراوش کردند که ازدیدگاه کشورداری بدترین کاری بود که انجام دادند.

مردم شکایت دارند که برخلاف آنچه حکومت قبلی وفعلی نشان میدهد، افغانستان دچار دهشت افگنی وقفوی وگاه ییکانه نه بلکه عملا درگیر یک جنگ فرسایشی تحمیلی از سوی کشور همسایۀ شرقی یعنی پاکستان میباشد. مردم معتقدند زعمای کنونی برغم گسترش بیش از بیش حملات دهشت افگنانهٔ مزدوران اجیر پاکستان، خوشبین مانده وامید دارند بتوانند باجلب (هموطنان نا راضی) خودشان وب(ناراضیان سیاسی!) کشور شان تمایلات خصمانۀ شانرا تغییر بدهند و آنها را بکمک دولت وهمسایۀ نیک شرقی، تشویق به قبول قانون اساسی ومشارکت در حکومت کنند. مردم از خود می پرسند مگر رهبران حکومت فراوش کرده اند که تا همین یکسال وچندماه قبل، آقای کرزی وهمکاران نزدیکش ۲۲ بار به نزد زعمای نظامی وملکی پاکستان شتافتند ولی هرگز موفق نشدند به آنها بقبولاند که مراکز رهبری طلبانی وحقانی و گلبدینی رادر شهرهای کوبته وپشاور و وزیرستان ودر سایر اماکن پاکستانی ببندند، وبانوکران طالب شانرا تشویق به شرکت در شورای صلح ودرپیش گیری صلح سازند، و سرانجام راه مؤدت وهمکاری راباحکومت درپیش گیرند . (دنباله در صفحهٔ ششم)

اسلامی حقیقی را نمایان ساخت واز ظلم ویرحمی دین پرده برافراشت . یک دختر مسلمان وتحصیل یافتهٔ علوم اسلامی در دانشگاه کابل که حجاب سیاه به تن داشت، با مجاور یاملای مسجد شاه دوشمشیره علیه الر حمه استدلال درمورد دین میکرد. مجاور با قهر وخشم وعدم تحمل در اظهار دلیل که خاصۀ افراتیون است، از مسجد بیرون شده وفریاد زد که آی مردم این زن قرآن را آتش زده است ! یکدهه مردم بی شعور چون سگهای وحشی ودرنده بدون قضاوت وتأمل، بر سر روی این دختر مظلوم ریختند وبامشت ولگد و بانسنگ وجوب اورا به شهادت رساندند. یک پسر جوان با خر کرۀ دیگری بر جسد برهنۀ این زن مسلمان مو تر جیب را گذاشتاند وبعد دستۀ دیگر جسد پاره پاره شدۀ این دختر را دردریای خشک کابل پرتاب کرده، بر آن پترو ل ریختند وآتش زدند. درین فاجعه پلیس کابل که مجری قانون است، در قطار تماشاچیان ایستاده وصحنه را تماشا میکردند، بعد از چند دقیقه در روی سرک قیر مجاور مسجد، جز لکۀ خونی چیز دیگری دیده نمی شد.

این حادثه که اعصاب هر مسلمان وانسان واقعی را سخت تکان میدهد وستون فقرات قانون وعدالت اجتماعی وحقوق بشر رادر هر کشور مدتی به لرزه می آورد، باعث نشد تا فریاد اعتراضی از دستگاه فاسد و دزد ورهزن حکومت کابل بلند شود. ملا ومحسب، قاضی وپیر و مرشد وحضرت، نمایندهٔ پارلمان وچند عضو بلندرتبۀ وزارتها ازین جنایت حمايت کردند. اینهمه در حالی بود که هنوز هیچ تحقیقات یا محکمۀ برای اثبات تجرم صورت نگرفته بود، یعنی قبل از اثبات جرم، یک انسان را به قتل رساندند وجسدش را آتش زدند. در آنروز تاریک تاریخ کشور، هیچ فریادی ازروحانیون ریش سپید که چون لاشخوران متعفن دهن سالها از جسداین مردم مسلمان تغذیه کرده اند بلند نشد. یکعمداد از هموطنان کودن ما این فاجعه رایک قتل دیگر در قطار هزارها خونریزی قلمداد کردند، غافل از اینکه در عرق این فاجعه ماهیت اصلی دین کاذب وافراطی، ادارهٔ سیاسی حکومت دزدان ورهزنان، یک دستگاه عدلی فاسد و یک کلتور تشدد و ددمنش ریشه دارد.

فرخندهٔ دوم : داستان این فرخنده حکایت از حاکمیت قبیله میکند. این فرخنده دختر سیدمنصور نادری ومربوط به قبیلهٔ هزاره های اسماعیلی درشرق هزاره جات میباشد. این زن پیرو سیدکیان وآغا خان بوده ومربوط سیزده هزار پیرو دیگر فرقهٔ اسماعیلیه میباشد. تاریخ شهادت میدهد که بزرگان این زن برای اخذ منافع سیاسی واقتصادی با هر رهبریت افغانستان توأمین داشته اند. گاهی باظاهر شاه وبرادران مصاحب، زمانی همکار وفادار کمونیستها چون داکتر نجیب ، وقتی سوغند وفاداری با عبدالرشید دوستم یاد کرده واخیرا خانم فرخنده در انتخابات تقلبی اشرف غنی، که دشمن سرسبردهٔ مردم هزاره میباشد، سهم مهمی داشته است . خانم فرخنده در کمپاین انتخاباتی اشرف غنی درین اجتماع یادی از مردم درحالیکه پیراهن دراز و رنگۀ چون پرتاووس در کمرداشت (طاووس در conology اسلامی معنی سمبولیک دارد) ظاهر شده ودر حمايت از اشرف غنی چنین گفت: (ما امروز سپاهسالار سیاسی وفکری خود را یافتیم، سپاهسالاری که کشتی شکستۀ افغانستان را به ساحل خوشبختی می رساند). ! دبری از این اظهارات خانم فرخنده نگذشت که طرفداران اشرف غنی به تعداد ۳۱ هزاره رادروردک به قتل رساندند، وبه تعقیب چندین نفر هزارۀ دیگر رادر شاهراه قندهار وهرات اختطاف نموده وکشتند. اخیرا در زابل دهشت افگنانی که اشرف غنی احمدزی یا سپاه سالار سیاسی وفکری خانم فرخنده حامی آنان بود، هفت فرزند ومرد هزاره را بشمول یک دختر نه ساله چون گوسفند حلال کردندو اشرف غنی احمدزی تحقیقاتی درین باره نکرد. بعد ازین فجایع صدایی از خانم فرخنده شنیده نشد و معلوم نیست اوبه مردم هزارۀ خود درین مورد جوابی ارائه کرده است؟!

این چنین اقدامات شیوۀ مردمان بدوی وقبیولی میباشد. جای هیچ شک نیست که تمام اقوام وقبال افغانستان از پشتون، تاجیک، هزاره، اوزبک همه و همه دربربادی وعقب مانی افغانستان نقش یخصوصی دارند، اما بیشتر از هر قبیله وقوم، آنعهده ایکه زمام ادارهٔ کشور را به دست دارند، مسئولیت درجه اول دارند واین قوم برادران من وشما میباشد.

شجرۀ قوم پشتون رو بهمرتفه بدودسته تقسیم شده اند. از مدت تقریباً سه صدسال به اینطرف ابتدا قبیلهٔ سدوزی وبوپلزی بر بهریت احمد شاه ابدالی (درانی) زمام اداره را در دست گرفت، ودر سلسلهٔ بعدی محمد زیاپها وبارکزیای ها یعنی اولادۀ پابنده محمدخان حکومت کردند. سلسلهٔ دوست محمدخان، عبدالرحمن خان، حبیب الله خان و امان الله خان، به سلسلهٔ دومی این خانواده که اولادۀ سلطان محمد خان طلایی(سرداران پشاور) بود، حکومتهای خانوادگی را ادامه دادند. سلطان محمدخان طلایی پنجاه پسر داشت، یک پسر او یحیی خان بود وپسر دیگرش یوسف خان بود، که از او پنج پسر نادر، هاشم، شاه ولی، محمد عزیز وشاه محمود باقی ماند. این پنج پسر سلسلهٔ برادران حاکمران را به کمک انگلیس سلطنت راتصاحب کردند، وظاهر شاه، پسر نادر شاه بعد از پدر، چهل سال حکمرانی کرد. در این سیستم قبیولی که دین افراطی در خدمت سیاست او بود، حکومت خانواده، از طرف خانواده وبرای خانواده بود. این سلسلهٔ پشتونها که مردم پشتون جنوبغرب افغانستان را تشکیل میدهد، به اصطلاح گوسپندان سفید اند واز نظر تعلیم وتربیه وعادات ورسوم، از پشتونهای جنوب پیشرفته تر میباشد. دستۀ دوم پشتونها که در جنوب افغانستان ونواحی سرحدی زندگی دارند گوسپندان سیاه قبیلهٔ پشتون اند وتاریخی جز زندگی در کوه و دره نداشته ونام قبیلهٔ غلجایی هایادمیشوند. در حکومتهای افغانستان باوجودیکه غلجایی ها ازامتیازات زیاد برخوردار بودند، اما در عرصۀ سیاست موفقیتی نداشتند. بعد از ماز ریاست جمهوری سردار محمد داوود صحنه تبدیل شد وغلجایی ها به کمک روسها زمام اداره را گرفتند. رهبران کمونیستی، ملاعمر، وسپاه سالار سیاسی و فکری امروزی یعنی اشرف غنی احمدزی مربوط همین قماش اند.

در ریشۀ اصلی قبیلهٔ پشتونها نظریات مختلفی موجود است، اما نظریۀ اولادۀ قیس که بعدها اسمش به عبدالرشید مبدل شد، بیشتر قابل توجه میباشد. مؤلف و مؤرخ بزرگ اولاف کارو Olaf Caroe در کتاب تاریخ پتان، منشأ قوم وقبیلۀ پشتون را به مردی بنام قیس ربط میدهد که پسران او چون سربن Sarban، یتن Bitan و غرغشت ریشۀ گوسپندان سفید یا سدوزی، وبپلزی، محمدزی و بارکزیهاساکن جنوب غرب افغانستان را تشکیل میدهد، ومردی بنام کارلانی که پدرش معلوم نبود، ریشۀ قوم وقبیلۀ غلجایی هارا در جنوب افغانستان وقبایل سرحدی بیان میکند. قبیله های که از کارلانی بوجود آمدند(دنباله درص پنجم)

افغان فوندیشن تقدیم می کند :

دا کتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سرنوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

عبدالودود ظفّری
المیدا - کالیفورنیا
یک متحد متقلب (پخش اول)
مجلهٔ دوماههٔ فارن افیرز مقالهٔ مسوطی رازیرعنوان بالا به قلم کرس‌تین فیور و سمت گنگولی درشمارهٔ ماههای اگست - سپتمبر ۲۰۱۵ خود به نشررسانیده است. من پس ازمعرفی نو‌یسنندگان، بر جسته سازی نکات عمدهٔ مقاله و یک تبصرهٔ کوتاه، ترجمهٔ فارسی آنرا دردوبخش تقدیم میدارم.
خاتم کسر‌تین فیور استادبرنامهٔ مطالعات امنیتی دردانشگاه جارج تاون و مؤلف کتاد (جنگ تا آخر، جنگ به سبک ارتش پاکستان) میباشد. سمت گنگولی استاد‌کرسی پولیتکل ساینس دردانشگاه اندیانا و مؤلف کتاب (بن بست کُشنده: هند و پاکستان در آغازسدهٔ نو) میباشد.

***** درسال ۱۹۴۷ پیشینی میشد که پاکستان ادامه داده نمی تواند، یامتلاشی میشود یابه کشورهای همجوار ضم میگردد.
***** امریکا ازشال ۲۰۰۲ بیش ازسی میلیارد دلربه پاکستان داده است.
***** وقت آنست که امریکا پاکستان را رها کند.
***** امریکا باید پاکستان رادشمن تلقی کند، نه یک همکار.
***** امریکا باید کمکهای نظامی خودرا به ارتش متورم پاکستان قطع کند.

پاکستان اززمان ایجاد درسال ۱۹۴۷ باوجود داشتن مشکلات عظیم داخلی، قومی، سمتی ومذهبی، گذراندن بیشتر عمر خودرا در زیر پاشنه های آهنین دکاتوران نظامی، ایوب خان، یحیی خان، ضیاء الحق و پرویزمشرف، اقتصاد ضعیف وابسته بر کمکهای خارجی، همیشه دربرابرافغانستان همسان یک دشمن عمل کرده است، نه یک همسایهٔ نیک. زعمای ملکی ونظامی آن بعوض آنکه درحل معضلات داخلی خودتوجه کنند، به بهانه های مختلف مانع رشدتجارت، ترانسپورت وصادرات افغانستان شده است. پاکستان بازای سیاست چندپهلو هم درگذشته ها وهم درچند دههٔ اخیر زعمای خوشبین افغانستان رابازی داده ازعمل بالمثل بازداشته است. پاکستان پس از خروج قوای شوروی، بصورت برهنه تر وشدیدتر درامور افغانستان مداخله نموده ازشطریق ایجاد، پرورش وتجهیز گروه بدنام ونامسلمان طالبان، امنیت افغانستان رابرهم زده وهر آن فاجعه می آفرینند. پالیسی مدون زعمای پاکستان درموردافغانستان هیچگاهی تغییر نکرده، همیشه بدون توجه به معیارهای همسایگی، مسلمان ومنطقوی خصمانه بوده است. ولی دربرابرامریکا و کمکهای بیشترامریکا، آنآ تغییرخورده است. چنانچه ضیاءالحق دربدل دریافت سه ونیم میلیارد کمک، علیه شوروی قرارگرفت وازجهدامردم افغانستان حمایت کرد. همچنان مشرف بخاطر ترس ازحملات امریکادرواقعهٔ ۱۱ سپتمبروحصول کمکهای بزرگ نظامی واقتصادی باتهاجم امریکا بر افغانستان درزدودن طالبان همسویی نشان داد.

گفته میشود که پاکستان درواشنگن از لاینیگد پرقدرت برخوردار است و میتواند جریانات رابه نفع پاکستان تغییر دهد. اینکار درگذشته وبویژه ازهنگام جهاد ومقاومت ادامه دارد. مثال برجستهٔ آن اینست که تمامی کمکهای پولی، تسلیحاتی وتجهیزاتی به مجاهدین ازراه دستگاه آی اس آی صورت گرفت و سرنوشت افغانستان به اختیار پاکستان قرار داده شد. نهادهای غیردولتی و موسسات تحقیقاتی امریکا بصورت یقین درک میکنند که زعمای پاکستان دروغگو وحقه باز میباشند. این مقاله که توسط دوپروفسر دودانشگاه امریکا نوشته شده، بهترین سندی میباشد که حکومت افغانستان براستاد برآن میتواند دنیا راقانع سازد که پاکستان یک تومور سرطانی درمنطقه است که نه منطقه ونه جهان را آرام میکندارد .

اخیرا رسانه هادرپایان سفر راحل شریف شخص قدرتمندنظامی به امریکا، اطلاع دادند که امریکا و پاکستان برای ازسرگیری مذاکرات صلح درافغانستان به موافقه رسیده اند. تحلیلگران اوضاع آن خبر را جزیک دروغ دیگرنمیشمارند.
اینک برگردان فارسی بخش اول مقاله تقدیم می شود :

***** ***** ***** ***** ***** ***** ***** ***** ***** *****

پس ازواقعهٔ ۱۱ سپتمبر امریکا کمکهای خیلی سخاوتمندانهٔ امنیتی و غیر امنیتی دراختیار پاکستان گذاشت، که مقامات رسمی مقدار آنرا از سال ۲۰۰۲ تا حال بیش ازسی میلیارد دالرمیخوانند. کمکهابخاطری داده شده که همکاری پاکستان باافغانستان تأمین گردد، کفایت پاکستان درمبارزه علیه تروریسم افزایش یابد ونفوذ حکومت امریکا بربرنامهٔ اتومی درحال رشد پاکستان قایم شود. درصورت کوتاهی در ارائه کمکها، ادعامیشود که اراده وظرفیت قوتهای امنیتی آن ضعیف میگردد وحتا امکان دارد دولت پاکستان به سقوط مواجهه شود. در آنصورت دانش هستوی، مواد ومصالح ویاخودسلاح اتومی به دست افراد شریر قرارخواهد گرفت .

این منطق اساسا معیوب است، بسیاری ازاسلحهٔ که امریکابه پاکستان داده، مناسبت به جنگ ضدتروریسم نمی باشند. امریکاتوانسته پاکستان راقانع سازد تا ازحمایت طولانی گروههای دهشت افکن دست بکشد. درحقیقت کمک امریکا به پاکستان انگیزه میدهد دو باره سلاح اتومی خود وگسترش صفوف جهادی هااحساس بین امنیتی کند. چون روش کنونی درهمسوسازی منافع پاکستان بانمافع امریکا کمتر تأثیردارد، وقت آن رسیده که امریکا راه خودرا تغییر دهد. اگر امریکا نمیتوانه رفتارمضر پاکستان رامتوقف سازد، بایدبه حمایت خود پایان دهد.

روش قدیمی سخت گیرانه :
اتکای پاکستان به جنگجویان نیابتی همزمان باوجودآمدن پاکستان آغازشده است. وقتا که بنیادپاکستان در۱۹۴۷ بافرو پاشی تسلط انگلیس برهند، گذاشته شد، حکومت نو بنیاد املیشه های قبیلو ی ضدهند درمنطقهٔ طرف منازعهٔ کشمیر حمایت میکرد. درعین حال ازشال ۱۹۵۰ در ترویج حزبی بنام جمعیت اسلامی درافغانستان اقدام کرد. اعضای حزب پسانتربه نام مجاهدین به حمایت آی اس آی دردهه های هفتادوهشتاد هم علیه حکومت افغانستان وهم بضدقوای شوروی قرارگرفتند. پاکستان پس ازشال ۱۹۸۹ جنگجویان کار کشته رادر کشمیر تحت تسلط هند دوباره تعبیه نمود تا باغیان بومی سیکولر ضدهند رادر آنجاتمویض کردند.

حمایت پاکستان ازباغیان بی دولت، منحصربه گروههای افراطی اسلامی نمی باشد. از اواخردههٔ هفتادتا واسط دههٔ هشتاد پاکستان مبارزهٔ خوین جلدایی خواهان سکهه رادر پنجاب هند تمویل میکرد و باغیان اتیبکی رادر شمال هند تا دههٔ هفتاد که پاکستان شرقی بنام بنگله دیش ازدبن پاکستان جدانشد وچین کمک خودرازابغیان قطع کرد، حمایت می نمود. پاکستان به باغیان بی دولت در افغانستان و هند تکیه دارد، زیرا این روش نسبتاً کم هزینه بوده ویساروموثرمی باشد. این باغیان مثل سپر حکومت رادربرابر خطرگماشتن ارتش حرفوی حراست می نمایند وزمینه راتاحدودی مساعدمیسازند که مامورین رسمی ازآن انکار کرده بنوانند. درعین حال به اسلام آباد اجازه داده که بااستفاده ازین باغیان، همسایه هاویژه هندرا درانتقام گیری مترد نماید. سازمانهای جهادی بخش کامل سترارتزی منطقوی پاکستان راتشکیل میدهند. حذف آنهایرای تأسیسات امنیتی پاکستان بصورت مطلق قابل قبول نمی باشد .

مجازات با پاداش :
باوجودیکه پاکستان ازگروههای دهشت افکن که تهدید به منافع امریکا میباشند، مامورین پاکستانی ادعا میکند که واشنگن یک متحد عهدشکن میباشد ومثال می آورند که امریکادر جنگهای ۱۹۶۵ و۱۹۷۱ باهند، علی الرغم عقدپیمان دوجانبهٔ دفاعی سال ۱۹۵۴، به کمک (

دا کتر غلام محمد دستگیر

بروفیلد - کولورادو

کرزی حامی طالبان رهبرناکام و خاین ملی باید محاکمه شود
این چند سطرزیر را بعدازخواندن خبر(کرزی طالبان را درشمال جابجا ساخت) که درشماره ۱۰۰۷ هفته نامهٔ امید به نشر رسید؛ نظر به احساس مسؤولیتی که درمقابل وطنداران عزیزم درافغانستان جهت تهیهٔ معلومات موثق برایشان دارم، درقید تحریر درآوردم.

مولفین و ژورنالیستهای متعدد اروپائی، امریکائی و یکمعداد نویسنندگان داخل وخارج مرزی تبصره های گوناگون در بارهٔ حکومتداری حامد کرزی؛ بیکفایتی و فسادهای اداری وغیرهٔ دوره های ریاست جمهوری وی نوشته اند. اما مولفین ستیف کول، رابرت گیت سابق وزیردفاع ایالات متحده و کارلو تاگالژورنالیست انگلیس تبصره های داشته اند که دلایل مستند را برای گسترش زمینهٔ محاکمهٔ کرزی از طرف قانوندانان مجرب افغانستانی یا بین المللی میسر ساخته اند.

من نوشته های هریک از نویسندگان فوق را که در بارهٔ حامد کرزی است، از آثارشان انتخاب نموده حضورشما وطنداران گراقتدر تقدیم میکنم وشماقضاوت کنید که با وی چگونه معاملهٔ قانونی صورت گیرد؛ آیا کرزی محاکمه شود یا نه؟ وهم این چند سطر زمینهٔ را برای محترم حامد کرزی سابق رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان مساعد میسازد که اگررابورهای این نویسندگان سبب شد که (عنوان غلط) فوق انتخاب شود، آنهارا یکایک رد کنند و اگر بخواهند درمقابل شان اقامهٔ دعوا نمایند؛ شواهد ضد کرزی چنین آغاز میگردد:

۱- ستیف کول در کتاب Ghost Warsنارهیچهٔ اسرار CIAافغانستان، و بن لادن از تهاجم شوروی تا دهم سپتمبر ۲۰۰۱ در صفحه ۲۸۷ درپراگراف سوم مینویسد: «... کرزی مخصوصاً به ستاندرد غرب یک مردثروتمند نبود. حساب اسعاری اوهم اکثرأ بصورت پایان پذیر بنظر میرسید. ولی مبلغ پنجاه هزار دالر از پول شخصی خود به طالبان داد تا درحوالی قندهار خود را تنظیم بچند. او همچنین صدها ذخیره گاه بزرگ اسلحه را که پنهان کرده بود به طالبها و لیبران نامدار قوم پشتون تسلیم نمود».
کرزی ازین عمل خود انکارنکرده در صفحه ۱۳ کتسابDescent into Chaosتوسط احمدرشیدژورنالیست پاکستانی اعتراف نموده علاوه نمود که من چندین بار با ملاعمر ملاقات کرده ام و او میخواست از طریق وزارت خارجهٔ پاکستان (من بیعت نمایندۀ اش در ملل متحد) با او همکاریشوم. دراوایل آنها مردمان خوب بودند. بعداً، آی اس آی پاکستان قدرت را بدست گرفته و به نیابت یا proxy تبدیل شدند و القاعده درین شان نفوذ کرد... کرزی ادعا دارد که روی همین ملحوظ مخالف طالبان شد. ولی کرزی قسمیکه بهمه معلوم است هنگام همکاری با حضرت صبغت الله مجددی با CIA نیز همکاری نزدیک داشته ودرمعاملات پولی بین مجاهدین و سی آی ای رفت وآمد میکرد. بناء ما نتیجه میگیریم که پول تاده شده برای طالبان ازطرف کرزی ازمدرک همان پولهاییست که CIA برای بعضی از مجاهدین و اجنتهای خود از پنج هزار تا پنجمصد هزار میداده است.

حضرت صبغت الله مجددی که استاد محترم من در لیسهٔ عالی حبیبیه بود، و درجریان جهاد ازپروفسر قدرت الله مجددی دوست عزیزم وبرادر حضرت صاحب از طریق اتچمن داکنران افغانی همکاری نزدیک داشتیم، همیشه جویای احوال استاد می بودم. بعد از تکمیل ماموریت ریاست جمهوری مؤقت وی که از ۲۸ اپریل ۱۹۹۲ تا ۲۹ جون ۱۹۹۲ برای دو ماه بیعت اولین رئیس جمهور افغانستان بعد ازجهاد دوام یافت، به جکسونیل ایالت فلوریدا، نظر به ناخوشی که عاید حال شان شده بود تشریف آوردند؛ چون به عبادت شان نظر به مصروفیت مسلکی رفته نمی توانستم بازرسال یک دسته گلی شقای عاجل برایشان از درگاه الهی تمناداشتم. استاد لطف نموده با یک مکالمهٔ تلفون بسیار کوتاه سپاسگزاری خود را از عبادت یک مریض ابراز داشتند. من پرسیدم استادمحترم کاشکی شما دوام میدادید که بفکر من این عمل از جنجالهای آینده جلو گیری میکرد. استاد گفتند انشاءالله یک گروه بیطرف رویکار میآید که سبب آرامی و پیشرفت در افغانستان میشود. بادعای خیر ازطرف ایشان مکالمهٔ تلفونی ماخاتمه یافت. پسانها درک کردیم که این گروه، همین طالبها بودند! بفکر من، پاکستانها حضرت صاحب را بدلائل دروغین متقاعد ساختند تااز دوام وظیفه بیعت رئیس جمهور افغانستان صرفنظر نمایند وبگذارند استادربانی رئیس جمهورشود تا او واطرفیان تاجیک اورا با این گروه نیابتی بنام طالب قلع وقمع ساخته افتخارات تاریخی، فرهنگی و کلتوری افغانستان را از ریشه نابود گردانند؛ اما با مقاومت شدید احمد شاه مسعود قهرمان ملی افغانستان روبرو شدند.

ولی متأسفانه تا کنون تحریبات و کشتارهایشان دوام دارد زیراحکومت های افغانستان نتوانستند امنیت خرد و کلان و پیر وجوان خود را تأمین نمایند. منظور ازین حاشیه این بود که اول طالبان چگونه وبه چه معنی ظهور کردند و دوم اینکه کرزی را امریکائیا یا خارجی هائیکه بیعت نفرمعدند راجوار حضرت صاحب در پاکستان میدیدند ومیتوانستند به انگلیسی روان با او صحبت نمایند، توانست که اعتمادشانرا بخود جلب نماید. بناء CIAهم به او اعتماد کرده اورا تحت سایه خود گرفت و اکثر معاملات ضروریۀ امریکا برای افغانها از طریق او و توسط وی در یک هو تل اسلام آباد که رفت وآمد زیاد دیده میشد، صورت میگرفت، یعنی متحیت یکی از اجنتهای خود امریکایها از وی کار می گرفتند.

ما که از طریق اتچمن داکنران افغانی درامریکا به مجالس کانگرس و وزارت خارجهٔ امریکا دربارهٔ موضوعات افغانستان به واشنگن میرفتیم درصحن سالون میبودیم و کرزی بادیگرماریکائها درالای میزهای لوژ برما به پایان مینگریستند. ازینجاست که به استفاده از کرزی، یک پشتون، خشت اول بنیاد طالب که آنها هم همه پشتون بودند به مقصد تباهی تاجیکها با پلان آی اس آی وانگلیسها، پول امریکا و عربستان سعودی وقتنه کارهای پاکستان اساس گذاشته شد وکرزی متحیت پدر مادی ومعنوی طالبان عرض اندام کرد. چون پلانهای پاکستان بعد ازجنگهای نیابتی وفریبکارهای مشرف به تا کامی انجامید، برای اینکه مداخلات و کشتارها وسوختاندها و دیگر فساد های پاکستان دوام یابد بالاآراضرارامریکا و انگلیس کرزی را درجلسهٔ ن که بریاست آقای محمد یونس قانونی برگزارشد، بیعت رئیس حکومت موقت، درحالیکه چندرای محدودمقابل رای زیاد پروفیسر عبد الستار سیرت داشت انتخاب و بالتبئیه بروز ۲۲ دسمبر ۲۰۰۱ مطابق اول جدی ۱۳۸۰ براریکهٔ جمهوربت درارگ کابل تکیه زد. چون خشت لیدرشب افغانستان زیرنام دمو کراسی، اما غیرعلاقاتهٔ جلسهٔ بن بنا نهاده شدومردانی در جلسه وجود نداشت که از دمو کراسی حقیقی دفاع نموده زعیم ملیی انتخاب کنند که بمقادرمرد افغانستان باشد، نه بخواسته های مفتنن قدر تمند، سرخم کردندوسبب شدندتا دیوارش تا ثریا کج برود؛ شرکت کنندگان این جلسه از نتیجهٔ انتخاب خود باید خجل و شرمنده باشند.

بعد برای دو دوره دیگر کرزی با انتخابات تقلبی رئیس جمهور شد و طالبها را رسماً برادر ناراضی خود به جهانیان معرفی کرد. طالب انتحاری را دوباره باپول هنگفت بدون مجازات بلکه پاداش به مقرر تروریستی اش فرستاد تا باز یابد ودر فاریاب خودرا انتحار کندو جسم چندین نفر از خواهران و برادران هموطن معصوم ما را با انفلاق بیرحمانه و برای خوشی بادران پاکستانی و انگریزی خود به هوا تیت و پاشان سازد.

یک گروه برای صلح باطالب عز تقرر نصیب ساخت. وقتیکه استاد نزدیک بیک پلان صلح آمیز گردید، به اشارهٔ آی اس آی توسط یکی از نزدیکانش که بسب را در دستار خود جا داده بود شهید ساخته شد؛ آوازه است که سرپرست فعلی وزارت دفاع شاغلی معصوم ستانکزی در آن توطئه دست داشت. پول هنگفت، بلیونها دالر درمملکت سرازیر گردید و با بیکفایتی و فساد اداری همه بدون تحصیل نتیجهٔ مثبت قسمیکه لازم بود با وجود ده ها مشاور ارشد و پلانهای میان تهی همه ییجا وبه هدرمصرف شد. یک قسمت مهم آن دالر های سبز امریکائی را به حسابهای بانکی دوستان، اقارب، سران واقوام مختلف به بهانه های عجیب وغریب منتقل ساخت. در پایان جمهوریت خود، کرزی بعوض اینکه یک افغانستان قوی و پرافتخار بعد ازخود باقی بگذارد؛ یک مملکت جنگزده و ضعیف، فاقد عدالت اجتماعی، رشوه ستانی بحد اعلی و به دالر، اجازهٔ استفاده از پول کلدار پاکستانی در ولایات شرقی، طالبهای قوی، و مفسد ترین مملکت دنیاو...و... از خود به ارث گذاشت.

۲- رابرت ام گیت، سابق وزیر دفاع امریکا در کتاب DUTYحای «یاد داشتهای یک وزیردرجنگ» عنوان دارد، حدود چهل مرتبه به ارتباط موضوعات مختلف ازحامد کرزی یاد کرده است اما جالب ترین همهٔ آن در پراگراف دوم صفحهٔ ۲۱۲ آن ثبت شده که نوشته : «بعداً باکرزی ملاقات داشتم، با خود گفتم چون هر کس بر او ضربه های خود را حواله میکند، من باید به او گوش دهم. او در بارهٔ اینکه چگونه روسیه، ایران و پاکستان در امور افغانستان مداخله و دست درازی دارند (که همهٔ آن صحیح بود) بیاناتی داشته تذکر داد که: آنها با اتحاد شمال یکجا با همدیگرصد او فعالیت دارند! که آنچه فکر میکرد، برای خودش یک حالت دماغی توطئه گرائی را ازطرف آنها بمیان آورده بود. او دربارهٔ اینکه شمول اتحاد شمال، مملکت را بخطر مواجه ساخته، این مردم (متحدین پوتین) بوده اکنون اعضای پارلمان وحتی اطفال را بقتل می رسانند، سخنهای گفت. این عمل (قتل اعضای پارلمان و اطفال، مترجم) توسط طالبان یا القاعده نه بلکه توسط افرد (بد) خودماصورت گرفته است. کرزی گفت: حکومت او(ضرورت به مشوره با ایالات متحدهٔ امریکا دارد که چگونه با اینها رفتار صورت گیرد). زیرا تمام عملیهای طالبان در جنوب افغانستان بوده همه تاثیرات ناگوار جنگ بردوش پشتونها تحویل شده و آنها چنین فکر میکنند که ماآنها را مورد هدف قرارداده ایم. او گفت: برای اینکه این موضوع را تحت نظارت قرارداده بتوانیم، ضروریست که با اقوام tribesمقصود پشتونها، مترجم) از نزدیک دیده با ایشان یکجا کار نمایم —این کرزی کلاسیک بود- پارائوئید و از حد گذر، اما نه لزوماً غلط (دربارهٔ مشوره با امریکا، مترجم).

اینست نمونهٔ یک رئیس جمهورتفرقه انداز، تبعیضی و بد بین که خلاف اساسات رهبری وحکومتداری دست بفعالیت زده است. اگر دقیقاً بگفتار این دشمن ملت افغانستان بنگریم او علاوه ازینکه قومگرائی وبشتونخواهی را پالیسی شخصی خود نمایان ساخت، بر اتحاد شمال تهمت بست که متحدین پوتین اند و آنها را مردمان(بد) یادکرد ودرعین زمان دروغی گفت واز طالب و القاعده طرفداری نمود که آنها قاتلین اعضای پارلمان و اطفال نیستند؛ بدینصورت وفا داری خود را به طالب و القاعده از یکسو و آی اس آی پاکستان از جانب دیگر ثبت اوراق تاریخ نمود. امریکائی را که برادران ناراضی اش کافر میخواندند دوست خود گرفت و از هو وطن، مسلمان ومجاهد خود نزد او غیبت کرد.

احمدرشید پاکستانی که به اساس رهنمائی آی اس آی مینوشت، در صفحهٔ ۱۲ کتاب «زول در بی نظمی کامل» یا « Descent into Chaosخود کرزی را از قربانیان اولیه یاد کرده ونوشته که: (متحیت پشتون دریک حکومتی که اکثرأ توسط تاجیک ها کنترول میشد(تفرقه انداز و دولتداری کن، مترجم) به امر وزیر داخله جنرال محمد فهیم و محمد عارف رئیس استخبارات مسعود محبوس گردید(دلیل آنرا که جاسوسی گفته شده ذکر نکرده است، مترجم). هنگامی که بامحمد عارف مشغول سئوال وجواب بودند عمارت استخبارات بدون توقع مورد حملهٔ راکت قرار گرفت (قصداً از طرف حکمتیار و به اشارهٔ آی اس آی و CIA، مترجم) و کرزی از زمینه استفاده کرده با بگریز نهاد. کرزی که رئیس حکومت مؤقت شد، فهیم وزیر دفاع و عارف رئیس استخبارات وی بود. وقتیکه پرسیده شد: آیا شما موضوع حبس تانرا با فهیم وعارف درمیان گذاشتید؟ جواب داد: نه بییچوجه – همهٔ آنها در سابق بود وفراموش شده است؛ که بازمه به اساس نوشتهٔ رابرت گیت که در بالاذکریافت جزءیک دروغ عظیم چیز دیگر به آن اطلاق شده نمیتواند! این موضوع ازجهتی تذکر داده شد که آن رویهٔ تاجیکها رافراموش نکرده بود و خواست نرد امریکائی ها جعلی کرده آنهارا فریب داده بمقاد خود استعمال نمایند وبرای اتحاد شمال نهال توطئهٔ منحوس خود را غرس کند؛ درمقابل چلوصاف خودش از آب بر آمد و پارائوئید و از حد گذر معرفی گردیده مقام خود را در مقابل وزیر دفاع امریکا بیحد پایان آورد. و هم با اتهامات خود قتل اعضای پارلمان و اطفال را بدوش اتحاد شمال انداخت که کاملاً ضد تعلیمات اسلامی بوده است.

داکتر نظام الدین نافع در کتاب (منهایت دراسلام) صفحه ۱۹۳ دربارهٔ تهمت چنین نگاشته است: قرار تعریف فرهنگ معین و دهخدا، تهمت نسبت گناه و عیب به کسیکه دارا نباشد. بهتان، افتراء و دروغ بستن است. تهمت زدن بیگناه از زشت ترین کارهایست که اسلام آنرا بشدت نکوهش کرده است. دین مقدس اسلام شاید تهمت را ازین جهت حرام قرارداده است تاآبرو وحیثیت انسانها محفوظ بماند و از مفاسد اجتماعی و اخلاقی در جامعه جلو گیری شود. زیرا اگر افراد فاسد آزاد گذاشته شوند تا هر دشنام و هر نسبت ناروائی را به هر کس که بخواهند بزند حیثیت ونوامیس مردم در معرض خطر قرار میگیرد، و محیطی از سوء ظن و بدبینی در جامعه حکمفرما میشود، ازینرو باید تهمت زننده را هشتاد تاز یانه بزند تا حیثیت و آبروی مردم باز بچهٔ این و آن قرار نگیرد و مردم در فضایی پر از صمیمیت ومحبت باهم زندگی کنند ...

همانجا در صفحهٔ ۲۱۳ در بارهٔ دروغ چنین نوشته شده : زشتی دروغ و اینکه دروغگوئی چه تاثیر بدی به روان شخص دروغگو وبه نهاد کسانیکه در جامعه با اوزندگی میکنند میگذارد، بهمه معلوم است. دروغ گفتن یکی ازنشانه های نفاق است. دروغ با ایمان ساز گاری ندارد. دروغ اعتماد واطمینان را که مهمترین سرمایهٔ یک جامعه بشمار میرود، نابود میکند. و دروغ سرچشمه و اساس همه گناهان است. دین مقدس اسلام به صداقت و راستگوئی اهمیت فوق العاده داده است و کذب و دروغ را نکوهش میکند....همانجا در صفحهٔ ۱۶۷ در بارهٔ غیبت چنین آمده است: دین مقدس اسلام بوحدت و یکپارچگی جامعهٔ اسلامی و انسجام و استحکام آن اهمیت فوق العاده قابل شده است نابار آن هر چیزیکه سبب تحکیم این وحدت شود مورد علاقهٔ اسلام قرار میگیرد وهر چیزیکه آنرا تضعیف نماید نزد آن منفور است و غیبت یکی از عوامل مهم تضعیف این انسجام محسوب میگردد ...

بناء با اتهامات کرزی به اتحادشمال به مفاسداجتماعی و اخلاقی در جامعهه دامن زده شده، آبرو وحیثیت یک گروه مجاهدین مومن ومسلمان و وطن دوست را جریحه دار ساخته، محیطی از سوءظن و بدبینی را در جامعه حکمفرما ساخت. با دروغ خود علم نفاق بر افراشت و با غیبت خود در تضعیف دین مقدس اسلام شریک شد. بناء، کرزی اوصاف یک لیدر را نداشت: از اوضاع عمومی مملکت و حالت غربا با خبر نبود با بلیونها دالر (دنباله در صفحهٔ ششم)

شرح حال کوتاه زندگی کوتاه محمد عصیم کوشان

كُلْ نَفْسٌ ذَاِيقَةُ الْمَوْتِ (لاریب فیه)

انالله وانا اليه راجعون. الله الذی خلقکم، ثُمَّ رَزَقَکُمْ، ثُمَّ یَمِيتُکُمْ، ثُمَّ یُحْیِیْکُمْ .

خداوند ذاتی است که خلق می کند ، روزی می دهد، بعد می میراند، بعد زنده می سازد. (بدون شک و ریب)

محمد عصیم، به روز ۱۵ سنبلهٔ ۱۳۶۱ برابر با ۱۷ ذی القعدةٔ ۱۴۰۲ مطابق با ۵ سپتمبر ۱۹۸۲ به دنیا آمد. دوسال داشت که با مادر و برادر و پدرش به امریکامهاجر شد، و باخانواده اش درشهر الکسندریهٔ ورجینیا اقامت گزید. دورهٔ ابتدایی و متوسطه را درشهرهیوارد شمال کالیفورنیا به اتمام رسانید. دورهٔ های سکول را درلیسهٔ عالی توماس ادیسن شهرالکسندر به به درجهٔ اعلی گذرانید، وموفق به دریافت بورس تحصیلی ازجورج میسن یونیورستی گردید .



مرحوم (عبدالله، بندهٔ الله) محمد عصیم کوشان

شادروان محمد عصیم درهمین دانشگاه در ورجینیا به تحصیل شروع کرد، آغازین سالهارا در رشتهٔ کمیوترساینس و انجینیرنگ صرف نموده ودرسال ۲۰۰۴ حایز تصدیقنامهٔ دینزرتست Dean's List از School of Informaion Technology Engineeringهمین رشته شد. بعدتعبیررشته دادمدت‌ی درشق فلسفه درس خواند، که شایدهمین امر یعنی عمق مضامین فلسفی براو اثر ناگواروارد ساخته و ویرابه افسردگی روحی یعنی دل‌نگنی با دپرشن Depressionشدسید دچارساخت، ولذت تحصیل و تمام ظواهرزندگی را از او سلب نمود .

یکسال بعد دوباره تعبیررشته داده و آرزوی صمیمانه پیدانمودتا بیحث سیویل انجینیر، دیپلم بدست آورده ودر روستاها ودهات افغانستان به کودکان و پسر زنان وپیرمردان کشورزاد گاهش ازئهٔ دل به ساخت جاده ها، کانالهای زراعتی، تعمیرات مکاتب ودانشگاهها بپردازد . محمدعصیم از ابراز این آرزوی انسانی واسلامی اش به هر دوست و آشنا اِ نداشت وبا همهربان خویش، قوم ودوست و آشنا با افتخار درمیان میگذاشت. مرحوم محمدعصیم آرزو داشت برای ادامه و ختم تحصیل، که فقط ده کریدت درسی از آن فاصله داشت، ودرجنوری ۲۰۱۶ آغازمیکردد، ثبت نام کند وبزودی دیپلم سیویل انجینیرنگ را بدست آرد.ای بسا آرزو که خاک شده !!!

مرحوم محمدعصیم کوشان، نواسهٔ شادروانان غلام حضرت کوشان ومحمد بشیرکبیرسراج ، در زمرهٔ مردان خدا، باعشق به الله و احترام ومحبت به حضرت سرور کائنات محمد مصطفی (ص) در اکتوبرسال ۲۰۰۳ میلادی افتخار شرفیایی به کعبه الله شریف و زیارت مرقدمبارک نبی کریم را حاصل نمود. الحمدلله .بهترین روز های عمر این جوانمرد را میتوان بایقین کامل گفت همین روزهای مبارک حج عمره بود، که دلش را شاد ساخت، و از هر لحظه و هر سجده اش به دربار کیرا با لذت فراوان و غیر قابل وصف برد .

شادروان محمدعصیم کوشان به موسیقی علاقهٔ وافرداشت، از استاد سر آهنگ ، حیدر سلیم وناشناس بسیاری شنید، بوژه هنگام رانندگی. خودش گیتار نواز و جازبند نواز ماهر و پیانو نواز مبتدی بود. چهارده آهنگ ساخت، شعرهمهٔ آثرا خودش به انگلیسی سرود و ثبت نمود، وبعد همهٔ آنها را با (درم) یا جازبند، آمیخت. چند کابی از آن ساخت، یکی را به جناب استادسمندرغوریانی داداتا نظر خود رابگوید، و چندتای دیگر رابه دوستانش هدیه کرد. عصیم یکی از آهنگهای حیدر سلیم را بخاطر شعر پرمفهومش دوست داشت و مرتب بدان گوش فرا میداد و گاه باخود زمزمه میکرد، بخشی از آن شعر چنین است :

کاش چون پاییز بودم ... کاش چون پاییز خاموش و ملال انگیزبودم ...

انجینیرحاجی محمدعصیم کوشان، حوالی ساعت هفت شام روز۲۵ ماه نومبر ۲۰۱۵ مطابق ۴ قوس ۱۳۹۴ برابر با ۱۲ ماه صفر ۱۴۳۷دریک حادثهٔ ناگوار و المناک آنی، در رودخانهٔ خروشان (اکاکوان) در مرز دوشهرستان وود بریج و فیرفکس، درشب درخشان مهتاب کامل Full Moon، ندای خالقش را شنید و بیدریغ وی تأمل ، آخرین سجده اش را به الله محبوبش، نه روی خاک، بل روی آب زلال روان رودخانه بجا آورد، و جان را به جان آفرینش تسلیم نمود و ازرنج این دنیای فانی برای همیشه نجات یافته به جهان باقی و جاودانی رحلت نمود.

روح محمدعصیم و ارواح جمیع شهدای جوان هموطن در ذیل رحمت بیکران حضرت حق جل جلاله شاد باد و قیورشان پرنور !

به امید دیدار، فرزند نازنین ما، در روزدیدار دریقامت ! ما از تو راضییم، الله از تو راضی باشد،(می سوزیم از افراش، یارب بلابرگردان، نامزدنامرادت دوشیزه فرشته رویانچو ا کوشان، مادرت ثنبیله و برادرت محمدقویم کوشان، برادرزاده ها وخانم برادرت، بی بی فاطمه کوشان، ومحمدقوی کوشان پدرت، محمدطاها کوشان کاکایت، ازبارگاه الهی برای خودو همه داغدیدگان هموطن صبر جمیل می خواهیم، و برای تو عزیز دل بهشت برین و حوض کوثر آرزو می نمایم . ای غایب از نظر به خدا می سپارم جانم بسوختی وبه دل دوست دارم ! /

پیام ها به شادروان محمد عصیم

مادر محمدعصیم ، خطاب به جگر گوشه اش : السلام علیکم محمد عصیم جان، زندگی این دنیا برایت یک قصهٔ کوتاه بود، که در آن، روزهای تلخ تر ازشام رفتن به سراغت آمد. روح خوش ، آمین، خداحافظ، به امید دیدار ! مادرت داکتر ثنبیله کوشان

مهربانان و عزیزان زیادی ازبات وفات فرزند دلبند ما شادروان محمدعصیم جان، حضوری، تلفونی، با ایمیل و فیسبوک ها، ما را تسلی بخشیدند، وبا اتحاف دعا به روح پاک آن فرزندها، آبی بر آتش سوزان و جانسوز سینهٔ و سراپای ما ریختند. از لطف یکایک عزیزان، به جان مننون ومشکوریم . باعرض معذرت و ناتوانی، که این صفحهٔ کوچک گنجایش نام های مبارک آنان راندارد، اینجا صرف برخی از تسلیت نامه ها و مرثیه هایی را که در رثای قدرسای محمدعصیم سروده اند، بعنوان خاطره ویاد گارارزنده درج می داریم. ثنبیله ومحمدقوی احمدولی مسعود

این قافلهٔ عمر عجب می گذرد؛ کوشان جوان به حق پیوست

با اندوه فراوان خبرشدم، محمد عصیم کوشان، فرزند برومند دوست دیرینهٔ دوران جهاد ومقاومت ما، محمدقوی کوشان مدیر مسئول جریدهء وزین امید، در امریکا به ابدیت پیوست. تأثرات قلبی وبرادرانهء خویش را به آقای کوشان، خانواده و دوستان محترم شان ابرازمیدارم، واز بارگاه الهی به روح کوشان جوان مغفرت میطلبم.

خانوادهٔ نجیب کوشان، از جمله خانواده های مبارزاین سرزمین می باشند که طی چندین دهه در راه خدمت به وطن و بخاطر آزادی و سربلندی این کشور زحمات زیادی را متحمل شده اند. وقتی اولین شمارهء هفته نامهء امید را آقای کوشان پس از مشورت و مفاهمه با من و معدود دوستانی و همکاری همیشگی فقط فامیل مبارزشان با طرح ابتدائی هر یک شماره با رنگهای مرغوب سبز و بنفش و زرد بیرون میداد و به چاپ میرساید، تنها صدای پیام آوری بود که بزودی در سرتاسر امریکا و اروپا طنین انداز گردید.

درین برکهٔ آزادی‌خواهی، نقش فرهیختگانی چون آقای فیضی، داکتر عبدا لوسع لطیفی، داکتر شریف فایض، داکتر نعیم کبیر، داکتر ظفری، استاد سمندر غوریانی، داکتراسلم خاموش (ودیگردانشمندان) در راستای مبارزات قلمی و روشنگرانه وبخاطر آزادی واستقلال کشوربرای همیش ماندگار خواهدماند.

آمرصاحب شهید ازطریق مقالات امید واندیشه های شان، تک تک این بزرگواران رامیشناخت و به قلم و قدم شان در راه مبارزات وطنخواهانه شان ارج میگذاشت./

عبدالودود ظفری : برادر ارجمند جناب محمد قوی کوشان !

درغم بزرگی که ازناحیهٔ درگذشت ارجمندمحمدعصیم جان کوشان، جوان نامراد همکارجریدهٔ امید به شما وخانوادهٔ محترم واردشده است، من وخانواده ام را شریک آن می بندارم . تحمل مرگ هر عضوخانواده بالاتر از توان میباشد، بخصوص جوانیکه درشگوفایی زندگانی باهمه آرزوها وآرمانها دنیا راترک میکند، همهٔ وابستگان بوژه مادر و پدر را درماتم عظیم می نشاند.

من درحالیکه روح پاک محمدعصیم جان رادرجوار رحمت خداوند لایزال تنما می نمایم، به جناب شما، محترم داکتر ثنبیله جان، محترمان محمدقویم جان کوشان وطاها کوشان وتمام مربوطین و خانوادهٔ محترم کوشان تسلیت عرض می نمایم وبه همه صبروتحمل آرزو میکنم . یگانه راهی که میتوان این اندوه سنگین ناشی ازنبود عزیز ازدست رفته را تاحدی تسکین وکاهش داد، تکیه بر (ما از آن خدایم و به سوی او بازمیرگردیم) می باشد. باعرض حرمت /

پیام تسلیت احمدرضوی و فامیل شادروان استادداکترعلی رضوی غزنوی:

برادر عزیزقوی جان کوشان سلام و درود بر شما!با تأسف خبر درد و غم نابهنگام عصیم عزیزراشنیدیم که واقعا بسیارجگرخون شدیم و با شماعزیزان غمشریک هستیم، به شماوفامیل عزیزصبرجمیل خواهانم روح ایشانا دربهشت برین شادمیخواهیم آمین

نامهٔ از جناب مسعود خلیلی : خواهرم ماری ،

دم دم صبح است . چند دقیقه قبل مسجد کارته پروان ، اذان نماز فجرداد. گرچه لودسیپرک های پشآوری گلپانگ محمدی را تجارتی انعکاس میدهند ، بازهم جاذبه گگی داشت و دلرا به خود میکشید . عزیزم دیگرآن اذان های آرام روح انگیز سحر گاهان قدیم نمانده . اینک من از کتابخانهٔ خاطره انگیز ۵۵سالهٔ ما، آنجا که قدم قدمش آواز قلم قلم پدر، وجب وجبش نگاه های مهربان مادر وبلست بلستش نشانی های کودکی وجوانی یک یک ما ، بخصوص نجات عزیز را دارد، به خدمتت نا مه مینویسم .

همان آتشدان پایخاری دیواری سابق راروش کرده ام ویاد آن روزگاران کهن مقالاتی را که جوانان امروزی به من آورده اند میخوانم . آهنگ ساریان نیزاز گوشه یی چپ چپ میخواند که :چپ چپ به کوبت ، از لای موبت، دیدم به شوخی،مهتاب رویت). لشکرزمرستان پیراهن سبزدرخت پهی حوبلی را به جبر ازتش بیرون کشیده واما هنوز یگان یگان پهی کرم زده در بلندی های خشکش دیده میشود ...

مردم در فغان اند و هر روز مادری ، دلبری و با تاج سری را در جنگ های ضد طالب از دست میدهد .

در نامه ات از درد کوشان یوسف گمگشته نوشته بودی .

کنعان ز آب دیدهٔ یعقوب سَد خراب ابرسفید اینهمه باران نداشتست

دشِب باز تلفون زدم که با وی حرف بزنم ولی میسر نگشت . بیچاره کوشان! دیگرزندگی برای او وهمسرداغدیده اش درد است وحسرت است و غم است و گداز و سوز . اما چه باید کرد :

کلبه ای کاندران نخواهی ماند سال عمرت چه ده، چه صد، چه هزار ازسوی من به خودش وخانشن سلام برسانید وبگویند که وقتی به خاک فرزندنت سر زدید مگویید خدا حافظ ، بگویند به امید دیدار ! زیرا بهترین تسلی برای دلشکستگان فرزند مرده همین است که همه بگویند دیربا زود، امروز با فردا به دلبران رفته ازدست خود، میبوندیم .

هر که باشی وزهر جا برسی آخرین منزل هستی آنست

ایکاش مسافری از آن دنیای دیگر برمیگشت که می پرسیدیم : این همه عزیزان و دلبران ما را پیر چرخ کجا برده است؟؟؟

با محبت ، کوچکت مسعود

بانو ماریا دارو : مراتب تسلیت و تعزیت به محترم محمد قوی کوشان جوان نازنین در خاک رفتی از این دنیای غم غمتاک رفتی زدی آتش به جان دوست داران جو گل پاک آمدی و پاک رفتی بدینوسیله مراتب تسلیت وتعزیت خویش راخدمت دانشمند محترم محمد قوی کوشان مدیرمسئول جریده وزین امیدوفامیل محترم شان به نسبت وفات پسرارجمندشان مرحوم محمد عصیم کوشان تقدیم میداریم. برای مرحوم فردوس برین آرزونموده و برای تمام دوستان وفامیل محترم کوشان صبر جمیل از خداوند جلیل خواهیمیم .

هرشام تلاوتی زیک فاجعه ایست هر صبح تولد دگر واقعه ایست اززندگی تابه مرگ این خلق خدا یک گام بهم نیامدن فاصله ایست

انالله وانااليه راجعون

برادر داغدیده قوی جان را سلام

وفات نا پهنگام جوان رشیدشما محمد عصیم جان مرا سخت متأثر و ناراحت ساخت، من خودرا درغم شما شریک دانسته واز صمیم قلب تسلیت خودرا به شما ومادر داغدیده وهمه اعضای فامیل بدین وسیله ابرازمیدارم. رفتن نابهنگام این جوان نازنین قلوب مارا سخت غمکین وخاطر مارا آزرده ساخت ولی مرگ وزندگی مشیت آفریدگار کائنات است وما به مقدرات الهی تسلیم هستیم. خداوندروح وروان این جوان را شاد داشته باشد واورا غریق رحمت خود بسازد به شما و همه اعضای فامیل صبر اعطا کند . سخی اشرف زی سید کاغذ

دیدبان گردانندهٔ سایت ارزندهٔ خرسازنمین :

درود و سلام به آن بزرگوار جناب کوشان،

نامهٔ اخیر شما که خبر درگذشت نابهنگام جگر گوشهٔ شما شادروان محمد عصیم کوشان را میرساند، بسیار تأثرانگیزبود. چون این آرزوی هرپدراست که پسرش او را بپاک بسپاردو نه برعکس آن. ولی چرخ روزگار دردمندانه و بسیار دردمندانه گاهی هم خلاف میچرخد و با چنین چرخش بیجا بر دلها غم جاودانه میکارد. سنگینی چنین رنجی در آن است که به جز سوز و ساز چاره ای ندارد... به جناب شما وخانوادهٔ نجیب شما از بارگاه پروردگار بکتا صبر جمیل تنما داریم. و به روح آن رفته بهشت برین را آرزو میکنیم. از همان آهنگهای محلی پرسوز که شما یادآور شده اید یکی هم این است که حقا برای چنین درد جانگاهی سروده شده است :

از کوتل تالقان کسی تیر نشد از خوردن آدمی زمین سبیر نشد

یا که برویم به پیش استاد اجل مردن خوحق اس ولی جوان پیر نشد

ا نا الله و انا الیه راجعون، با مهر بیکران، دیدبان

نصیر خالد : چه سخت است پدری در داغ از دست دادن پسر جوانش داغدار شود. خبروفات پسر جوان یکی ازدوستان نزدیک و یار دوران جهاد ومقاومت دلبرانه مردم افغانستان مرا سخت ناراحت ساخته است، باورم نمیشود چنین اتفاقی صورت گرفته باشد که پدر ناتوان در غم پسر دلبندش بر گلیم عزا داری بنشیند.

دیروزچهارشنبه محمدعصیم کوشان فرزند۳۳ دوست دانشمند و گرانقدرم محمد قوی کوشان موسس هفته نامه وزین امید در ورجینیای امریکا با زندگی اش وداع نمود و پدر و مادر، فامیل و دوستانش را در این سفری برگشت متأثر و اندوهگین ساخت. شدت تأثر اجازه نمیدهد بیشتراین درمورد این جوان ناکام بنویسم جز اینکه برایش ازدربارخالق بکتا جنت فردوس آرزو نمایم وروحش راشاد بخواهم. بدینوسیله برای محترم محمدقوی کوشان وخانواده شان تسلیت عرض مینمایم وصبر جمیل ارزومیکنم. بازگشت همه بسوی اوست. صاحب نظر مرادی : درگذشت فرزند جوان آقای کوشان را صمیمانه تسلیت عرض میکنم. روحش شاد باد

نور سیفی : انالله وانا الیه راجعون، درگذشت فرزند آقای کوشان را تسلیت عرض میکنم و برایشان از خداوند صبروشکیبایی آرزو مینمایم، روحش شاد باد محمدعمر مهربان: خدای مهربان نورچشمی کوشان صاحب رایبامرزد و برای کوشان وخانواده گرامی شان اجر وصبر نصیب گرداند .

هارون امیرزاده : برای جناب قوی کوشان،مردمبارز ودوست گرامی ام نسبت وفات پسر جوان شان تسلیت می گویم. من خود را در غم کوشان گرامی شریک می دانم.

سلما جهانی : روح جوان نامراد شاد وبهشت برین جایش باد به محترم اقای قوی کوشان تسلیت عرض میکنم .

احمدشاه علم: کوشان عزیزمن درین غم بزرگ با تو شریکم .جنت مأوایش باد! کاکا طاها جان :

جزسوختن به بادت مشق دگرندارم در پرتو چراغ پروانه می نگارم روزنشاط شب کرد آخر فراق یارم خودرا اگر نسوزم شمع دگر ندارم همه چیز و همه بدستور خدای دانا مزه مرگ را باید بچشد و همه چیز نابود شدنیست تنها خدای یگانه ای توانا و دانا همیشه ماند گاراست.

اما بازهم سخت دشوار است که نازنینی را که روزی در آغوشم بود بدست خود به تاریکی گور بسپارم. تنها ایمان بخدا و شکیبایی چاره یی دیگرنداریم. برادر زادهٔ خود محمدعصیم جان را بخدا و بپاک سپردم. روحش شاد و یادش همیشه دردل ودیده جا دارد. محمدطاها کوشان محمد اکرام اندیشمند: انالله وانا الیه راجعون. خداوند به متوفی مغفرت و به باز ماندگانش صبر عنایت کند.

صدیق قیام:روحش شاد متأثر شدم به کوشان صاحب و فامیل های شان تسلیت عرض میکنم .

عمه امیمه فرزاد کوشان : محمد عصیم جان کوشان عزیز دل تو رخت سفر بستی و ما را در سوگ جانگدازت سوختی. خداوند برایت درجات بلند جنت را نصیب کند، خیلی عجله داشتی بری پیش خداوند، عزیز دل عمه، مهمان خدا شدی و قلب ما را داغدار ساختی. بمیرم برایت دستم یاری نوتسن ندارد حَرف هایم تسلسل ندارند او خدای من این مصیبت را چه سان تحمل نمائیم .

ناصر بخاری : کوشان عزیز بی نهایت متأثر شدم خداوند مغفرت کند، مکانش جنت برین باشد، درغم تان خودرا شریک میدانیم وصبرجمیل ازبارگاه ایزد منان برای شما و خانواده داغدیدهٔ تان استدعا می نمایم .

فضل الرحمن فاضل: بهشت برین جایگاه او باد وخداوند به خانواده اش به ویژه برای آقای کوشان، پاداش و شکیبایی نصیب کند !

محمدحیدر اختر: وفات نابه هنگام عصیم جان را به جناب قوی کوشان، طه کوشان وباقی اعضای فامیل محترم تسلیت میگویم واز بارگاه ایزد متعال برای عصیم جان جنت برین و برای خانواده داغدار شان صبر جمیل تنما دارم . فاروق قاری: مراتب نهایت تسلیت خودوفامیل قاری عبدالله ملک الشعرا رانسیبت وفات نابه هنگام پسرجناب قوی کوشان بدین وسیله میرسانم شما را خداوند صبر عنایت فرماید. پیری و کفن مناسب افتند...

نصیرمهرین : بسیار تأثر باراست. برای جناب قوی کوشان ابراز تسلیت دارم.

میر انصاری : محترم قوی کوشان را از نزدیک می شناسم با شنیدن خبر مرگ پسر جوان شان نهایت متأثر شدم وروحش شاد باد، برای آقای کوشان تسلیت میگویم و صبر جمیل برای شان میخواهیم .

یونس یوسفی : بلی خیلی دردآور است اما رضای خداوند چنین بود. آقای کوشان همیشه خدمت گذار جهاد ومقاومت بوده، از خداوند ج برایش و همه فامیل محترم شان صبر جمیل میخواهم .

سعادت پنجشیری: چه ضایعهٔ بزرگ و جبران ناپذیری که در واژه نمی گنجد. برای این عزیز شکیبایی آرزو می کنیم. خداوند آن جوان را ببخشد.

حاجی محمدهارون عطی: برادرنهایت گرامی کوشان صاحب با تقدیم سلام واحترامات خدمت شما،تأثرات عمیق خود وهمه فامیل را نسبت از دست دادن جوان ناکام که جزفامیل ماهم بود تقدیم میکنم، واقعا واقعه بسیاردردآور مگر نصیب وقسمت بود ،خداوند پاک اشخاص خوب و مهربان را زودتر میکیرد، اکثر جوانان که به یک حادثه با یک تصادف می روند مردمان بسیارنیک میباشند، خداوندجنت الفردوس نصیب شان کندوبه شماصبر(دنباله درس ۸)



عنوان کتاب: تحلیل زبانی و تاریخی واژه (تأزیک) بر بنیانی آثار کشف شده مؤلف: قدام حیدانی داوری

نگارترک و تاجیکم کند صدخانهٔ ویرانه

به آن چشمان تاجیکانه و مژگان ترکانه (کلیات سعدی)
وقتی این شعر پرشوق و شور سعدی رادرصفحات اخیربخش دوم کتاب بس گرانها وپراز پژوهش های و تحقیقات عالمانهٔ تاریخی ومستند و مصور هموطن عزیز و گرامی ام جناب غلام جیلانی داوری راخواندم، از دیدارپیرانتباه و صحتبهای فرزانه وعالمانهٔ دوری عزیز آمد که در جلسات بزرگ مشورتی لندن، که به ابتکار مبارزفقید وشهیدوطن، آمر صاحب احمدشاه مسعود، صورت گرفت، وبنده رئیس نخستین جلسهٔ آن بودم، باهم آشنا شدیم .

اثرپژوهشی این نویسندهٔ اندیشمند که در۱۲۵ صفحهٔ قطع بزرگ با محتویات ارزشمند عکسها وسکه های باستانی و کتیبهٔ سنگ نبشتهٔ معروف باختری، از طرف مطبعهٔ اتجن فرهنگ افغانستان درفرانسه به چاپ رسیده است، دوقسمت عمده را احتوا می کند. قسمت اول نتایج تحقیقات گستردهٔ مؤلف راراجع به تاریخ کارنامه هاو زبان آریایی ها، که واژهٔ تاجیک با تأزیک نیز ازآن منشأ گرفته است، احتوا میکند، و دربخش دوم کتاب، موضوع واژهٔ (تأزیک) بطور بارزتر بااسنادی که شخص آقای داوری از کاوش ومطالعهٔ آثارتاریخی وموزیم هابدست آورده است، باتفصیل تذکر یافته است.

درهمین راستاآقای مهرعلی نوید، استاد دانشگاه مونیخ آلمان نوشته است: (جناب آقای غلام جیلانی داوری، استاذزبان پارسی انستیتوت آسیای جنوبی دانشگاه هایدبرگ آلمان وعضو کانون خاورشناسی آن کشور، ازادانشمندان برجستهٔ است که آثارزیاد به زبانهای اروپایی دارد.)

مطالعین گرامی امید اینک درسلسلهٔ معرفی انتشارات تازه، کتاب آقای داوری را اولتر بابیشگفتارخودش که روشنگرهمهٔ محتویات این اثر ارزشمند میباشد، به شما معرفی می دارم: (یکی ازپرسشهایی که مردم یک سرزمین پیوسته باآن مواجه اند، این است که آنان کیستند، از کجاریشه گرفته اند، نیاکان شان چه کسانی بوده اند، چه نوع فرهنگها وتمدنهارا به میان آوردند، وعلل شکوه و شکست ویانتسب وفرزازین تمدنهاچه بوده است؟ تا بتوانند باآسیب شناسی عمیق آن، ازیکسوهویت فرهنگی وجابگاه تاریخی خویش نسل آینده راتعین کنند، وازسوی دیگر به ویژگیا وخصلتهای تاریخی فرهنگهای سایر اقوام وملتهای همجوارشان پی ببرند، ودرفرجام توفیق یابند تاازتش هایکاهند و زمینهٔ زندگی مسالمت آمیز رادرمنطقه وحی درجهان فراهم آورند، چه بدون شناخت از گذشته نمی توان آینده رابه نیکویی شالوده ریزی کرد.

منظورازنگارش این رساله کشف یک سنگ نبشتهٔ باختری است که چند سال پیش درمنطقهٔ یکاولنگ استان بامیان بدست آمد، واکون درموزیم کابل درمعرض نمایش قراردارد. این سنگ نبشته وهمچنین بعض آثار مهم دیگری چون سکه هاونسخه های خطی ازدوران پیش ازاسلام، که درموزیمها وآرشیف های کشورهای مختلف جهان نگهداری میشوند، نگارنده راوداشت تأانها راز نظربزانی وتاریخی بادر نظرداشت آثاردورهٔ اسلامی بررسی نماید. نتایج این بررسی ها اکنون دیدگاه مارانستب به گذشته وسعت بخشیده ومارا درجایگاهی قرارداده است که میتوان بر بسیاری از زوایای تاریک تاریخ روشنی انداخت . پیش ازآنکه درین رساله دیدگاه خویش رادربارهٔ ریشهٔ زبانی واژهٔ تأزیک ابراز دارم، بایسته میدانم تابراساس پژوهشهای نوین روی برخی ازموضوعات عمومی تاریخی هم که باموضوع اصلی پیوند دارند، اشاره پی داشته باشم ...)

مؤلف گرامی بخش نخست کتابش راتحت عنوان (سرزمین اصلی آریابها وریشهٔ زبانهای آنها)چنین آغاز کرده است: (قوم تأزیک ازقطعهٔ نظر ژنتیک تباری وزبانی مربوط به شاخهٔ اقوام هند و ژرمن یابه اصطلاح تازه مربوط به شاخهٔ هندواروپایی است که ازنیم قارهٔ هند تاغرب اروپا گسترش دارد. ازمدت دوقرن است که دانشمندان توجه خودرابه این مسأله مهم تاریخی معطوف کرده اند. نخستین شخصی که به پیوندهای زبانی وتباری این اقوام پی برد، دانشمند انگلیسی (سرویلیام جونز) بود. وی نظریهٔ خویش رادرسال ۱۷۸۶ درجامعهٔ آسیایی کلکته هندابرازداشت ونشان داد که زبانهای چون سانسکریت، یونانی، لاتین، گوتی، کلتی وفارسی باهم قرابت دارند، بنابراین، این زبانها،یک زبان مادری مشترک زاده شده اند... این زبان مشترک زبان هند واروپایی نامیده شد .

درهمین راستا موضوعات مهمی واطور گلچین ازصفحات پرمطلب کتاب داوری گرامی برایتان تذکر میدهم . درصفحهٔ ۲۷ راجع به مطالب سنگ نبشتهٔ معروف رباطک میخوانیم: (کاشکا فرمان نوشتن – کارروایی هایش را-به زبان یونانی صادر کرد، سپس آن به زبانهای آریایی نگارش شد، ... این زبان طبعاً منسوب میشود به گویندگان آن، که عبارت باشند از آریایی های ساکن باختر زمین... جالب اینست که تشابهٔ متن سنگ نبشتهٔ رباطک را درسنگ نبشته های هخامنشیان می بینیم. داریوش اول در سنگ نبشتهٔ بیستون (فقرهٔ هفتاد) میگوید: (داریوش شاه میگوید بنابرخواست اهورا مزدا این نسخهٔ سنگی است که من دستور نوشتن آترابه زبان آریایی دادم وآن روی تیکر وچرم هم گرفته شد.) منظور داریوش اینست که وی زبان نوشتن این نسخهٔ سنگی رابه زبان مادری اش که آنرا (آریایی) مینامید، داد .

مolf آقای داوری درصفحهٔ ۳۹ راجع به خراسان نوشته است(دربارهٔ جایگاه خراسان چهارسند تاریخی ازدوران پیش ازاسلام وجوددارد که عبارتند از: ۱-سکه های شاهان کوشانی و یما کدفیزس، کشکا وهویشکا .

۳-۲-سکهٔ دوشاه ازقبایل خیون ها که درنیمهٔ دوم قرن پنجم میلادی در سرزمین کاپیسا – کابلستان –زابلستان وگندهارا حکمروایی میکردند.

۴-سکه های یک شاه بومی ازخانوادهٔ تگین شاهان، این خانواده در قسمت شرقی کوههای هندوکش حکمروایی میکرد .

۱-نخستین شاهان کوشانی یخصوص ویما کدفیزس، کشکا وهویشکا (از کشکا صرف یک سکه داریم) روی سکه های شان طوری نشان داده اند که روی کوههای شامخ چهارزانو نشسته اند که منظورآن کوه پایه های بامیر و هندوکش اند، جایکه آنهانخست اساس دولت خویش رابنا نهادند... به تعبیرمن تصویر کوههای شامخ که روی آن شاهان کوشانی بصورت نشسته نقر شده اند، نمایانگر منطقه یی است که دردو جانب این کوهیا به ها که آنرا باید، طوریکه دربالا گفته شد، خراسان باستانی نامید، جایکه از آنجا خورشید ازپشت کوههای بلند برمیخیزد و جهان را نورافشانی می کند...

۳-۲-درمورد این دوشاه آگاهی زیاد نداریم، صرف ازروی تیبولوژی سکه های ایشان میتوان استنباط کرد که ایشان درناحیهٔ کاپیسا- کابل –زابل وگندهارا درنیمهٔ دوم قرن پنجم میلادی حکومت میکردند. از آنجا ییکه یکی ازآنان سکهٔ طلا ضرب کرده است، پس میتوان وی شاه مقتدر درزمانش بوده باشد...)

محقق دانشمند جناب داوری، آثارتاریخی درصفحهٔ ۴۹ کتابش، کتبش، دربخش دوم آن راجع به واژهٔ (تأزیک) نگاشته است: (خاستگاه واژهٔ تأزیک (معرب تاجیک) وریشه یایی آن ازموضوعات مهم علمی است (دنباله درصفحهٔ هفتم)

قتضوات شمشیر و قبیله (دنباله ازصفحهٔ دوم)

بوجودآمدند همه ساکنین کوه ودره بوده وازتمدن ومذنبت دورمانده اند. اینها عبارتند ازمنگل، جاجی، جدران، خوگیانی، افریدی، عثمان خیل، اوروکزی، مهسود، وزیریی، احمد زی. کارلایی که جلقبیلۀ غلجایی هامیباشد، پدرش معلوم نبوداین مسأله را داستان برادران اورمار Urmarابه تفصیل نوشته شده .

نکتهٔ اساسی ازین بیان مختصرآنست که درطول تقریبآسه صدسال گذشته برداران پشتون ما نتوانسته اند پایه های کشورافغانستان را که تاریخ پرعظمتی داشته، باساس عدالت اجتماعی، قانون وحقوق بشرو تساوی حقوق افراد استوار نگهدارند. علت اینهمه نابکارها آن بوده که رهبریت قبیلوی وناسیونالیسم عقیده وی آن همیشه کوه نشین بوده وریشهٔ مدنی نداشته است. این رهبران ازهردسته ایکه بوده اند، اکثرا برای استقامت خودبه کشورهای خارجی تکیه کرده اند و دردوره های زمامداری این مردان قبیله تمامیت ارضی افغانستان تدریجاً کاسته شده وحیثیت وآبروی کشورما درحلقه های بین المللی سیرنزولی پیموده است. اقوام وقبایل دیگرافغانستان هیچگاه چانس آنرانداشته اندتااهلیت خودرا در رهبریت ثابت کنند. درمیان تمام اقوام افغانستان تنهاومرئی بنام احمدشاه مسعود یک رهبر ممتاز وباهلیت بود. امروزبه صراحت بگویم که مسعود وارث ندارد!!!! آعمده اشخاصی که باآن فقید کار کرده اند، وبازدن مهرقومی برپیشانی خود خودرا وارث آن قهرمان میدانند، سخت اشتباه میکنند.

درپهلوی حاکمیت فرسودهٔ قبیله سالاری، دین افراطی ملا، سید، مرشد، حضرت ومحتسب فضاحت ورسوایی آورده است . دینی که رهبران مترقی ومسلمانات حقیقی راسقوط داده وهمیشه برای حفظ قدرت ومفاد اقتصادی آلهٔ دست سیاستمداران بوده، وبرای حمایت ازظالم فتوا صادرمیکند. جناب حضرت صبغت الله مجددی درزمان انتخابات کرزی در کابل نطقی ایرادکرد و گفت: (دیشب همه شب استخاره کردم، درحوالی بعدازنیمهٔ شب علائمی از طرف خداوند برآیم رسید که باید ما به حامد کرزی رأی دهیم واورا انتخاب نمایم.)! آیا ماباجدان سالم میتوانیم این ادعاراقبول کنیم؟

چرا درشهادت فرخنده روحانیون دین افراطی خموش بودند؟ وقتی یک گروه دهشت افکن بنام اسلام، هزاره های مظلوم راجون کوسپندان حلال کردند وحکومت حامی آن وحشترکان بود، چرا اینهمه ملاها قیام نکردند؟ آیا خداوند (ج) درسورهٔ مائده آیت ۳۲ نمی فرماید که: (هرکس شخص ییگانهی را بکشد همچنان باشد که همهٔ مردمان را کشته و هرکسی نفسی رازنده کند، همچنان باشد که همهٔ مردم رازنده کرده است. – تفسیرحضرت خواجه عبدالله انصاری) پس چرا درچنین واقعات ملاها وروحانیون لاشخور ازقرآن دفاع نکردند؟ آیامرتکب گناه بزرگی نشدند؟

بله ! این افراطیون از آنچه ریفورم نشده برای منافع شخصی خود دفاع می کنند. آیا مدنیت واخلاق انسانی درقرن ۲۱ به مالجازه میدهدربرابر یک جرم دستهاوپاهای انسانی راقطع کنیم؟ آیامیتوانیم یک زن یا مردزناکار راسنگسار کنیم؟ آیا عقیده داریم و اجازه میدهید که اردوی اسلام درزمان جنگ زن اسیر و شوهرداری را زنا کند؟ آیا اجازه داریم تابگذاریم که زنان، مردان واطفال بیگناه درقلمرو یک کشوراسلامی مثل کوسفندان حلال شوند؟ آیا عقیده داریم که اگر مردی مرتکب قتل ویا زناشود، اما نمازخواند، به بهشت می رود؟

رسول خدا، خاتم انبیاء حضرت محمد(ص) مؤسس وبنیادگذار دین اسلام نبود، بلکه او دین وحدت رابرقوم کرد وتجدد آورد و صریحاً توصیه فرمود که هر یکصدسال مردی درقلمرواسلام قیام کند ویا بد دین اسلام راطر به تغییر عصر وزمان ریفورم نماید. کاروان تمدن بشری سریع پیش میرود وادیان افراطی ومنجمد بدون ریفورم طوریکه رسول خدامیفرماید زنده مانده نمیتواند. وضع وحشتراز عراق وسوریه وقیام آدمخوران دینی SISوطالبان درافغانستان مثال قناعت دهندۀ این موضوع میباشد.

اینکه چرا درین اواخر تعداد افراطیون دین اسلام افزایش یافته است، قابل مناقشه میباشدونظریات مختلفی درزمینه وجود دارد. درتاریخ مینویسند که شرارت در دین اسلام بعدازخلافت وانشقاق دومذهب عمده علت جنگ و خونریزی ها بوده است. محققین ظهوراجتماع Agrarian یاوجودآمدن زراعت را درقرون ابتدایی وتولیدی عدالتی اجتماعی میدانند که منتج به بروزعقیدهٔ افراطی شده است، البته این در دورهٔ Axialارتقای بشری بوده است. همین عقیده بر آنست که اسلام اولی براساس اخلاق ورحم وشفقت بنا یافته بود، اما بعدازسیستم خلافت اموی ها دست به عیاشی وفساد زده سیستم عدالت وقانون رادرهم شکستند، وشرارت وخونریزی آوردند. عدۀ عقیده دارن افراط دردین اسلام دربرابر پیشرفت سریع تکنالوژی وساینس قرون۱۷، ۱۶ و۱۸ادر اروپا وامریکابوده است، بعضی ها سقوط اقتصاد طبقهٔ متوسط رامستول پیدایش و سرعت افراط دردین میدانند. اما آنچه بیشترقابل قبول باشد، مسئولیت دولت عربستان سعودی دردین افراطی اسلام میباشد.

قرارداد غیراخلاقی این سعود بامحمدابن عبدالوهاب چنین به امضا رسیده که باید دین درخدمت سیاست قرار گیرد، بدین صورت طریقهٔ وهابی یاسلفی به وجودآمدودین شریر درخدمت سیاست درقرن۱۸قرار گرفت. درعربستان بود که باراول ناسیونالیسم عرب دین اسلام را افراطی ساخت، واین حقیقت درتاریخ افغانستان هم صدق میکند، دربنجاناسیونالیسم قبیلوی پشتون دین افراطی راتقو به کردواز آن بیعت اسلحه در تأمین منافع شخصی وقبیلوی کارگرفتند. در ممالک غربی هم افراط وتشدد دردین دیده شده است. ظهور صلیبیان یا Crusaders دیده شد که درقرن ۱۲ در تمام این خونریزهاپوپ یاهربر کاتولیکهای جهان نقش عمده واساسی داشت. اما ادیان ابراهیمی دیگرچون مسیحیت وبههود تالانازۀ زبادی توانسته اند ازنفوذ ورسوایی های دین افراطی خود باقمایسه با دین اسلام جلوگیری کنند.

اینکه چرا دین افراطی درخدمت سیاست قرار گرفته دلایل زیادی وجوددارد. یکی ازین دلایل ذهنیت پایین ودرجهٔ کم عقلی درمردم افراطی میباشد. اخیراً یک مطالعه وریسرج بزرگی دریونیورستی Adingburgنشان داده است که بین دین افراطی وذهنیت وهوشیاری رابطهٔ معکوس وجود داردیعنی هرقدرانسان اسیردین افراطی گردد، بهمان اندازه شعور وهوشیاری او کم میباشد.

خوانندگان ارجمند: قضاوت شمشیری دین افراطی وحاکمیت قبیله دو عنصری اند که درسقوط کشورعزیزمانقش مخرب داشته اند. این دوعنصر مردم مارا درسالیان متمادی چنان مواجه به Mesmerism وHypnotismکرده اند که دیگرحقیقت رانمی بینند. در تاریخ داستانیست بنام (امپراتور لباس به تن ندارد) باشرح آن گفتارم را ختم میکنم :

میگویند سالهاقبل درسرزمین دوری امپراتوری حکمفرمایی داشت. از تصادف روزی دومرد دغل وقلائی واردشهر شدندواوازه براه انداختند که آنها درباقتن وساختن لباس سحر آمیز مهارت دارند. آنان امپراتور راعلاقات واو را قناعت دادند که برایش لباسی بسازند که تنها کسانی بتوانند لباس رابپینند که قلب وروح پاک داشته باشند. امپراتور زیرتأثیرگفتار این دومرد رفت وبلادرنگ امر کرد که آنها شروع به بافتن لباس مخصوص نمایند. دومرد قلاب وجادوگر در کارگاه بافندگی که خالی از تار بود باتزویر شروع به کار کردند. وقتی لباس تقلبی آماده شد، امپراتور آمد تاآنها به تن کند ولی هیچ لباسی را ندید وخیلی حیران گشت، اماچون شنیده بود که این لباس را کسانی می بینند که قلب وروح

سافرانسسکو

عابد مدنی

محفل شکر به تبسم و رسوایی داکتر عبدالله کاظم

به نام حق، روزیکشنبه ۲۱اکتوبر ۲۰۱۵، محفلی برای بزرگداشت شهدای زابل (شکر به تبسم) درسالون میشن پردایس ، شهر سافرانسسکو برگزار شد که تعداد زیادی ازهموطنان مان از همهٔ اقشارمردم در آن شرکت کرده بودند. محفل با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید شروع وبا ایراد سخنرانیایان رسید .یکی از سخنرانان آقای داکترسید عبدالله کاظم استادسابق دانشگاه کابل بود. ایشان در بخشی ازسخنان شان حرکت خونخواهی تبسم را که با حضورمیلیونی مردم داغدار کابل برگزار شده بود، زیر سؤال برده ودستهای(نامرئی) راپشت حرکت صدهاهزار مردم کابل دانست . حرکتی که در تاریخ افغانستان بی سابقه بوده و تمام آگاهان سیاسی براین اعتقادند که تاریخ افغانستان چنین خیزش رابعننوان تظاهرات خیابانی درخودش ندیده است . آقای کاظم انرا تحریک وسازمان یافته دستهای نامرئی میدانند.

بعداز آقای داکتر کاظم نوبت به این حقیر که از درد سخنان غیرمسئولانه ایشان تاآخر به جوش آمده بودم و دردم چند برابر شده بود رسید. برای حفظ عزت شهدا، واحترام حضار ازخودم زیاد حوصله مندی نشان داده به اغای داکتر که سالهاست سنگ ایرانی بودن شیعهٔ افغانستان را به فرق مان میکوبد، واز اینگونه برجسپهای میانحالی ودورازواقعیتهای افغانستان و مردمش به جفنگ گویی مشغول است، روشن ساختم که اغای داکتر اشتباه میکبید، کمی ازتگنظری درحق اقوام افغانستان، تجدیدنظرنمایید انتظارما از شما بعنوان یک روشنفکر بالاتر از آنچه این برجسپهای ناروا است ، میباشد، نه تنگ نظری یک استاد آگاه دانشگاه! عرض کردم که دادخواهی شکر به تبسم از همان لحظه که سر بریده تبسم را تحویل مردم زابل دادند، ازخود مردم زابل شروع شد، یآادر زابل دست نامرئی (ایران) وجود داشت ؟ زابل که اکثریت پشتون اند. بعد پیکر های شهدا به غزنی رسید وحرکت خودجوش مردمی برای دادخواهی بسوی کابل راه کشید وبعداد کابل بامیان، جلال آباد، هرات، بلخ، قندهار، جاغوری و تمام نقاط افغانستان یک پارچه فریاد عدالت خواهی را سردادند.

درست سال پار بود در محفل تجلیل ۵هزار شهید ، حاکمیت رژیم آدم کش خلق و پرچم ، که در مسجد ابراهیم خلیل الله بر گزار بود ، اغای داکتر کاظم رسالهٔ که در تجلیل قیام ۲۴حوت ۱۳۵۸هرات و شهادت ۲۰هزار هموطنان هراتی ما که جلوه انسانیت دادخواهی خلق خدا را به نمایش گذاشتند و بالاگاهی واصلات إنسانی، جاویدانه شدند ، به من داده وگفتند که اگرصلاح دانستی در چهره های اشنا(بر نامه تلویزیونی که مدیریتش بردوش من است) از آن یادی نمایم . از اغای کاظم سؤال دارم که کدام دست(نامرئی) هدایت کننده آن قیام مردمی بود؟ همسایه عربی ما مرز های طولانی با ما در هرات دارد. میدانید جناب داکتر کاظم شما که در قیام وشهادت آن خیزش خونین حماسه تاریخ مان قلمفرسای نموده اید ،خلق وپرچم هم، آن رستاخیز بزرگ را چون گفتار مجلس تبسم شما، دستهای نامرئی بیگانه خواند. میدانید اظهارات و برجسپهای خلق وپرچم چندان درد ندارد، وای از درد گفتارغیر مسئولانه استاد دانشگاه مان ! من واقعا شرمنده ام ، شرمنده وجدان مرده مان ! شرمنده هیچ کاری های مان ! حتا شرمنده فریاد که برای عزت انسانیت کشیده شد و ما آنرا به نامردمی ها و بیگانگان نسبت دادیم چقدر اُنصاف را به تسخر گرفته ایم ! من یقین دارم که بودند تعداد محدودی که عقده های شخصی خود را هم در این راه پیمایی کشیده بودند ، که آنها دربرابر قیام مردم هیچ اند بقول علی شریعتی (که درس فاجعه کربلا دردهای خودمان را هم فریاد میزیم) اما اَصُل هدف مظلومیت سر بریده امام حسین است برای آبیای عدالت ! و سخن چند درد دل مان، ای خدای عالم توشاهدی که بر ما چه میگردد! !اینک هویت مارا ازقوم ومذهب و زبان که چه ؟ حتا هویت إنسانی ما را اینکار میکند !

وای بر ما که برأصل برادری وبرابری چه صادقانه گام برداشتیم ! وای از این صبرمان که آیوب گفتاش به خدا رسید ! وای از دردمان ، که کمر بابا وهندوکش را شکست ، وای از اینار مان که عیاران خراسان به ناله شده و وای از سر بریده کودک مان که ملائک عرش خدا را به ناله در آورد ! وتو ای آزادی و عدالت ! ماترا بدور ازهر وابستگیان بیگانه در ۱۹عقر فریاد زدیم ، توکه میدانی هیچ دست(نامرئی) دنبالت نبود (حالا دیگر زتوست خواهی اگر بنان ، خواهی اگر برو !) (به کوران ما بینایی ، به مبلغان عدالت ، و به حسودان ما اُنصاف ، اعطا بفر ما.) /

داستان جالب فیل مرغ

اکنون که (روز شکر گذاری) Thanks Givingدرشرف وقوع می باشد، و از آن غذا تهیه میشود، خواستم داستان جالب فیل مرغ را با خوانندگان ارجمند هفته نامهٔ وزین امید درمیان بگذارم . اما قبل از آن مکنی دربارهٔ کلمهٔ (فیل مرغ) درزبان فارسی دری می کنم .

استفاده از کلمهٔ (فیل) درنام این پرنده به جسامت آن دلالت می کند چه نسبت به مرغ (ماکیان وخروس) بزرگتر میباشد. ولی ازنگاه جسامت (شترمرغ) بزرگتر از فیل مرغ است، چون (اشتر) خردتر ازفیل است، باید نام های این دوپرنده عوض گردد. اما کلمات یک زبان اختیاری نمی باشد ودلیل ومنطق درآن راه ندارد تا این کارصورت بگیرد. اما داستان فیل مرغ !

دروبان انگلیسی نام این پرنده وکشورترکیه یک چیز میباشد: فیلمرغ turkey مملکت Turkeyفرق هردو فقط درین است که فیل مرغ به حرف کوچک و کشور به حرف کلان نوشته میشود. چرا ؟؟دلیل آن اینست که درحدود چهار پانچ صدسال قبل، فیل مرغ ازقارهٔ امریکا به اروپا و آسیا، مثل کچالو، تنباکو وغیره انتقال داده شد، و از همین لحاظ این پرنده را (ترکی) نامگذاری کردند وتامروز به همین اسم یاد می شود، و پرنده و کشو ترکیه یک املاء دارند.

بعداً فیل مرغ از کشور پیرو PERUدرامریکای جنوبی توسط تاجران آن به نیم قارهٔ هند منتقل گردید، ازهمین لحاظ هندی ها فیل مرغ را (پیرو) می گویند و همین کلمه تاامروز به معنای فیل مرغ به کارمی رود . /

پاک داشته باشند، ازترس آنکه مبادا امپراتوری باقلب و روح ناپاک معرفی شود، نبودن لباس راقبول وباتجاهل از زیبایی آن تعریف کرد ! همچنان وزیران واراکین کشوریکی بعد دیگری می آمدند تااین لباس موهوم رابپینند. باآنکه همه لباس رانمی دیدند برمیگشتند وزیبایی لباس بافته شده راتعریف میکردند.

امپراتور مجلس بزرگی برپا کرد و درخلوت رفت ولباس حقیقی خود رادر آورد تا لباس ساخته شده رابه تن کند. بازمه باحیرت و پریشانی متوجه شد که اصلاً لباس وجود ندارد، اما از ترس اینکه مردی بدون قلب وروح پاک معرفی شود، لباس کاذب رابطور پنهان برتن کرد ودرصف اراکین دولت ومردم برای تماشا ظاهرشد. صدای خوشی، کف زدنها وهلهلهٔ مردم بلند شد، همه داستان تقلبی این دومرد رامیدانستند وازلباس تقلبی اطلاع داشتند، اماهمه بخاطر اینکه مبادا مردمی باقلب وروح ناپاک معرفی شوند، از حقیقت چشم پوشیدند واز اظهار حقیقت ابا ورزبندند. خوشی، هلهله و کف زندهای مردم وقتی مواجه با سکوت شد که طفلی ازین مردم فریاد زد: (امپراتور لباس ندارد) ! هموطنان ارجمند ! از تقریبآسه صدسال به اینطرف کشور (دنباله درصفحهٔ ششم)

کرزی حامی طالبان ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

بایدیک فرد غریب و یا گدائی گردگر سرکها دیده نمیشد وملت تحت خیمه های مفلوک وپاره پاره درزمستان سنگ ترقان کابل زیست نمیداشت، قدرت فیصله گیری مفید برای مردم نداشت تحت نفوذ وسایهٔ دیگران قدم برمیداشت، خود قدرت تلقینی نداشت و اما از طرف اضافه از یکصد مشاور تلقین شده میرفت، در حسابدهی بمردم کاملاً ناکام بود موضوع فقدان حسابدهی قناعت بخش کابل بانک تا هنوز پا درهواست، فوق العاده بخود اعتماد داشت و خود را شیر! میدانست شیر!، خوشین نبود بدبینی اورا درمقابل مردم شمال از رابرت گیت شیدبد، بمقابل مردم افغانستان از صداقت کاملاً بی نصیب بود بلبونها دالر را به باد فنا داد آن پولها را به صداقت بمصرف نرساید– دروغ گفت، تهمت کرد و انتخابات تقلبی داشت، تمرکز دماغی داشت اما نه برای مردم افغانستان بلکه برای کمک به طالب و بیست یارسفر به پاکستان، الهام بخش نبود وتوانست بنیادپایدار اقتصادی اجتماعی– سیاسی بمیان آورد– ومصلحت رابرعدالت ترجیح داد. تا هنوز درامور دولتی ممکن بطرفداری طالبان، مداخله دارد و تخریبکاری راپیشهٔ خودساخته است. به دانشگاهها میرودتا افکار محصلین و محصلات معصوم را مفشوش و حتی مسموم سازد! نمیدانم از یک لیدر نالیدر ناکام چون حامد کرزی که عروج وطن باستان، سربلند و ایماندارشانرا به مفسدترین ممالک جهان نزول بخشید؛ به محصلان عزیز، چه درس خوبی خواهد داد؟ مطبوعات آزاد بود اما از ژورنالست ها حمایت قناعت بخش صورت نگرفت. پس چگونه میتوان. نام یک لیدرناکام وخاین ملی را زیب میدان هوائی بین المللی کابل ساخت. درحوالی ارگ مسکن گزید وملیونها دالربرای مصارفش پرداخت تا باز به برادران ناراضی خودکمک کند وامنیت ملی وطن ما افغانستان عزیز را تخریب نماید؟ این روش به هیچ نوع درهیچ اقلیم نمی گنجد!

۳– کارلوتا گال درصفحه ۳۴کتاب The Wrong Enemyامریکا در افغانستان بین ۲۰۰۱–۲۰۰۴چنین پرده ازاسرارمهم تاریخی برداشته است! کارلوتا می نویسد:این اولین بار نبود که ملا عمر با کرزی به تماس آمد. چندهفته قبل، فقط چندروزبعد ازشکست مزارشریف (عمر) باز به کرزی تلفون کرد. یکتفر یاور که از طرف لیدر طالبان سخن میگفت، از کرزی پرسید: که چه تصور دارد و چه فکر میکند که چگونه این جنگ خاتمه خواهد یافت. کرزی تقاضای امریکا را برایش چنین بیان کرد: تسلیم بلا شرط –طالبان! یاورگفت: ملاعمر بعدا بااو تماس میاید (منبع این معلومات، کتاب Eric Blehmاست که ترجمهٔ عنوانش چنین میباشد: بگانه چیزیکه مرگ برایش ارزش دارد: جطور یازده گرین بیرپها برای افغانستان جدید به جلو رفتند: نیویارک، هارپر کولیر، صفحه ۹۱ سال ۲۰۱۰)

اکنون سه هفته بعد، موازنه قوا برهم خورده اقوام بدور کرزی جمع شدند و طالبان به چند ناحیهٔ محدود درقندهار عقب نشینی نموده تنهاسه هزار طالب مسلح در اختیار داشتند. لیدر طالبان یک هیأت را حضور کرزی فرستاد تا تسلیمی قندهار و برآمدن محفوظ لیدر شپ طالبان را با وی درمیان بگذارند. ملاعمر سر کردهٔ این هیأت یک لیدر ارشد طالب عبد الوحید بغرانی را که یک شخص مشهور قومی و هم لیدر محترم مجاهدین بود، انتخاب کرد (منبع این معلومات، مصاحبه با عبد الوحید بغرانی در قندهار ماه می ۲۰۰۵ و در کابل جولای ۲۰۰۹ میباشد)، اعضای هیأت شامل، طالب لیدرامیر محمد آقا خسر لیدر طالبان و طیب آقا یکی از یاران نزدیک ملا عمر بود. آنها پیشنهاد کردند که ملا تقیب الله از دستهٔ تضاد طالبان که یک شخص با قدرت بود اگر تصدی قندهار به او واگذار شود مورد قبول طالب ها خواهد بود. این هیأت برای مذاکره –یک مکتوب تسلیمی که از طرف ملا عمر امضا شده بود با خود داشتند ودر آن ملا

عمر موافقه نموده بود که قندهار در ظرف سه روز تسلیم میشود.

قرار اظهارات یک عضو این هیأت، کرزی در مقابل، یکعده وعده ها دست زد که مشتمل بود بر: آزاد ساختن محبوسین طالب که در شمال افغانستان تسلیم شده بودند و برای هریک قوماندان طالب اجازهٔ پنج محافظ مسلح برای امنیت شخصی در خانه هایشان (منبع این معلومات، مصاحبه با یک دیپلمات غربی درماه دسمبر ۲۰۱۲ در کابل است که عضو یک هیأت مذاکرات صلح با کرزی درعین سال این معلومات را به او ارائه نموده بود)، ولی، کرزی، مکتوب تسلیمی ملا عمر را نپذیرفت! که نویسنده کرلوتا گال این عمل اوراللممكن جهت جلب رضایت شالو، تعبیر کرده است. اما برای من خیانت ملی است که بمقابل مردم افغانستان مرتکب شده است و قابل عفو نمی باشد.

کارلوتا دوام داده مینویسد: یک رفیق صمیمی کرزی بنام حفیظ الله خان بسیار خشمگین بود از اینکه کرزی یک سندهم تاریخی را که سند صلح بوده میتوانست، از دست داد. خان گفت: اگر کرزی این ثبوت را میداشت که ملا عمر به تسلیمی موافقه کرده از قدرت گذشته، طالبان نمیتوانستند شورشهای بعدی خودرا روا بدارند. بعداً، او گفت کرزی ، درک نکرد که این یک سند بسیارمهم بود (جطور امکان دارد که یکفر د مجرب، زیرک، هوشیارو مفتن مزاج اینطور سند را درک نکند، مترجم)، یک دهه بعد وقبیکه کرزی می خواست در بارهٔ صلح و ختم شورش مذاکره آغاز نماید، طالبان موجودیت مکتوب تسلیمی ملا عمر را رد کردند { منبع این معلومات، مصاحبه با حفیظ الله خان در ماه های اکتوبرو نومبر ۲۰۱۲ در کابل است. حفیظ الله خان اکنون (در وقت نوشتن این کتاب، مترجم) یک دیپلمات ارشد وزارت خارجهٔ افغانستان بوده هنوزهم یک رفیق صمیمی پریز بدنت میباشد. وی بزودی بعد از شکست قندهار با کرزی در قندهار ملاقات نمود و از خود کرزی گرفتن مکتوب (تسلیمی ، مترجم) ملاعمر را شنید. دیپلمات غربی که درمذاکرهٔ صلح دخیل بود تأکید کرد که طالبان موجودیت این مکتوب را رد کرده اند!.

فصیحیکه در سابق تذکردهام بازهم یاد آور میشوم که این اولین قوماندانان اعلائی نظامی یک مملکت در تاریخ جهان خواهدبود که تسلیمی دشمن مردم خودرا به اساس قومپرستی و پشتونخواهی خود نپذیرفت: درهر جای دیگر دنیا این عمل بذات خودمحا کمهٔ جدی وحتی اعدام بخود میداشت. کرزی با نپذیرفتن تسلیمی ملاعمر ظالم مسلمانکش خونخور، خون قتل هزاران زن و مرد و طفل و پیر جوان را که بعد از نپذیرفتن تسلیمی ملاعمر رخداده، به گردن گرفت که اگر درین دنیا مجازات نشود، در آخرت هریک ازین شهدا از گردش گرفته بسوی خودخواهد کشانید که منظرهٔ گوارا نخواهد بود.

این عمل متناقض عمل یک خاین ملی دیگراست که خودش در قعر زمین و آتش سوزان میتید و مافرتها بعددر روی زمین ازخیانتش میسوزیم ودعای نیک برایش نثار نمیکنیم. اوعبد الرحمان خان با معاندهٔ دیورند است.

معلومات فوق با دقت و مآخذ مستند آن حضور قانوندانان محترم و حقیبن تقدیم شد تا در قدم اول اسم کرزی از عنوان میدان هوائی کابل حذف شده مسکنش از نزدیکی ارگ بجای دیگر در حالیکه تحت نظردایمی امنیت ملی باشد ، انتقال داده شود. من آنچه شرط بلاغ بود نوشتم اکنون باقی دردست شما مردم افغانستان و خود کرزی است که باید جوابگو باشد!

این نوشته رابه بندی از یک مخمس شهیدعبد الرحمان لودین مبارز مشروطه خواه پایان می بخشم :

ای غافل از زمانه وشاغل به لهو گلف – بادشمن خییث کسی کرده است حلف

تقاضای مردم برای اختتام حکومت وحدت ملی
(دنباله ازص دوم)
مردم میگویند مسافرتهای مضحک وغیرسازنده و منفی آقایان کرزی و اکنون احمدزی و عبدالله که پیش ازدیگران به حضورنظامیان پاکستان بود واز آنها تقاضا کرد برطالبان و گروههای دهشت افکن شان اعمال نفوذ کنند، غیر از ایجاد خفت برای حکومت خوششان و روا داشتن اهانت به مردم مصدوم ومنضضر افغانستان، چیزدیگر دری نداشت. مسافرت دورهرحکومتی به چین، کشورهم پیمان وا زنزدیک همکار اقتصادی وتجاری وترانسپورتی با کستان نتیجهٔ جز آنچه گفته شد، نداشت. معلوم بود رهبران دو گانه نمی دانستند بااطلاع نداشتند که چین ازسالها قبل وبخصوص درارتباطش باهند وبعبدادر نظر گیری مراودات ترانزیت واقتصادی اش باپاکستان در بندرگاه گوادر پاکستان سرمایه گذارهای وسیع کرده، ودرحال ایجاد خط آهن است وشب وروز در صدد اعمارشاهراه قروم میباشد ومیخواهند هرچه زودتر درپاکستان صدها پروژهٔ دیگر راتکمیل ویا جدیدا احداث نمایند، وبه رقم میزان تجار تی بین دو کشور بیفزایند، هم اکنون قابل ملاحظه شده است. در قبال این امر ستوال میگردد که چه چیز اولیای کابل راقنع ساخته که چین به طرفداری افغانستان بر پاکستان اعمال نفوذ خواهد کرد، وجه بدلی رامیتواندبه چین پیش و آنکشورراترغیب به ایجادهرنگی با افغانستان سازد. افغانها مدعی اند که آن عده سرمایه گذارهای معلود چین هم درمعدن مس حاجی گک وبامعدن آهن بامیان بانفت شمال، اکنون مغلط مانده وبعضاً هیچ قراردادی درزمینه بادولت چین امضاننشده است، وهبه میرساند که چنین میخواهد نخست ازهمه، سرنوشت جنگ اعلام نشده ولی فراسایشی پاکستان وموقفیت دکورین تعمیق ستراتژیک آن درافغانستان روشن گردد، وبعد درزمین یک مراودهٔ متمر با افغانستان داخل اقدام شود.

مردم شکایت دارندواو خود می پرسند چگونه امکان دارد رجال کار شناس و دارای تحصیلات عالی افغانستان ازهمان هنگامیکه جهادافغانهابه مقابل روسها براه افتاد، تزویر ودورویی ومفادجویی های اولیای پاکستان را درافغانستان فراموش کردند، تاحدی که بعداً آقای کرزی مجبورشد ازروی یأس وافسردگی درملای عام در پارلمان کشور، با صدای بلند گریه سردهد وازعدم وفا و راستکاری پاکستان گریه ها نماید! وبا این عمل قبیح به ملت قهرمان خود اهانت کند! پایان سکوت رهبران حکومت وحدت ملی به مقابل تزویرات پاکستان رانیز مردم مدعی اند میتوانند پیش بینی کنند.

مردم شکایت دارند که چرا تاکنون حکومت فعلی، بر غم اختلافات ذات البینی که متأسفانه دربطن خوددارد، حداقل ازدو اصل ووسیهٔ مهم به نفع حکومت و مردم خود که همانا جلب همکاری ومساعی مردم کشور و درثائی استفاده از معاهدهٔ ستراتژیک امنیتی باایالات متحده است، نمیخواهد استفاده کند؟ مردم میگویند یاد ندارند آقایان احمدزی وعبدالله تاحال حاضر شده باشند درمحضر نمایندگان مردم راجع به طرح مشی امنیتی وبرخورد ستراتژیکی خود با پاکستان تفصیلی صحبتی کرده باشند، وبالمقابل فرمایشات آنها را بشنوند. مردم مدعی اندرهبران دو گانهٔ حکومت وحدت ملی با استنادبه موافقتنامهٔ ستراتژیکی و امنیتی باامریکا که به منظور تأمین امنیت درافغانستان تاحال نخواست ویا اصلا جرئت نکرده اند مفاد عقد آن توافقات خودشانرا دربرخورد به مقابل دهشت افکنی مختلط وغیر قابل تمیز طالبان وسایردهشت افگنان چون داعش وگروه های حسانی وغیره باواشکنن مطرح بحث سازند، ومیرسند دلیل این کار آنهاچه بوده است؟ آنهامیگویند بالاخره هدف ازامضای توافقات دو کشورچه بود و چرا به ملت توضیح نمیدهند که کدام دلیل آن توافقنامه رابه یک سونهاده اند؟ مردم شکایت دارند که چرا حکومت فعلی، برخلاف خوشستنداری و اجتناب حکومت کرزی، حاضر شده تابه حال منع عظیم تمویل جنگ تحمیلی پاکستان را برافغانستان توسط طالبان مزدور وسایر گروههای دهشت افکن خریده شدهٔ خودشان، سدنکرده وآترا بکلی قطع نکرده اند، بخصوص وقتی بهمه مبرهن است که حکومت نظامی پاکستان سالانه ۵صد ملیون تازیزاده از یکهزارملیون دالر رالزمدرک زرع خشخاش درافغانستان بدست آورده وبآن پولهای سرشار آشکارا چرخ جنگی بالواسطهٔ خودشانرا درافغانستان به حرکت می اندازند. مردم میگویندبه همه روشن است که پاکستان پولدارنیست واگر این منبع سرشار پولی نمی بود، مدتهاقبل دست از مداخله وتهاجم وجنگ غیر مستقیم در افغانستان دست میکشید وغایلهٔ طالبان وگروههای بی ارزش مشابه آنها ازین میرفت… مردم میخواهند بدانند تعل حکومت درین امر چیست؟ آنهامیگویند اگر کرزی باقنع وقنع کشت تر یا ک مخالفت کرد، دلیل آن بهمه روشن بود، ولی رهبران حکومت وحدت ملی چرامتو سل به این مهمترین عمل نمی شود؟ ناگفته پیداست که دوام این خودداری شان هم اکنون باعث ایجاد سوظها شده است.

خواندگان عزیز این سطور بیاد دارند استدلال استغای علی احمد جلالی دومین وزیرداخلهٔ حکومت کرزی را که قبل از ترک کرسی وزارت اعلام کرد: (است وفهرست اسمای رجال وسرشناسان بزرگ کشور رابه دست دارم که کدامها از سرشناسان عالیرتبه در عملیهٔ قاچاق موادمخدر دست دارند ومیخواستم آنرا به مقامات تسلیم دهم، ولی چون شخصاً تهدید به مرگ شده ام، حاضر نیستم اسمای شانرا افشا سازم.)

مردم شکایت دارند زعمای افغانستان، قبل براینکه براریکهٔ قدرت تکیه زنند، ادعاداشتند برای رفع اشکالات عظیم کشور هریک رهبری یک حزب سیاسی رابدوش دارند وانتظار دارند بعلاز انتخاب شدن به ریاست جمهور، باهمکاری نزدیک تیم متفق الفکر وهم مشی وهم ستراتژیک خود به سروقت ناخوشی های مهلک مردم خود بشتانند. اما بدستبائی مشترک شان به قدرت نه نام آن احزاب باقی ماند ونه نشان آنها ! بر خلاف هویداگشت که هردوجانب رقیب سرسخت دیروز وظاهر متحد امروز، نه تنها دارای احزائی بنام های(تداوم و تحول و (اصلاحات وهمگرایی) وجود ندارند، بلکه هریک محصور بایکعهاد افراندشناس وغیر آشنا باهمدیگر وطرزفکر یکدیگرند، اکثر از تجارب حکومت داری محروم بوده اند، وبه هیچ وجه وتوافق باهمدگر جهت رسیدگی به امور ونیاز مند های شدید مردم ندارند، تقلی که حکومت طی چندماه برای تعیین وزرا نشان دادند و توانستند کابینه رادرچو کات قانونی مجوزهٔ آن تشکیل بدهند، جز فاجعهٔ حکومتی چیز دیگر نبود. دلیل دو دستگی وتقسیم کرسهای کابینه نیز نتیجهٔ مستقیم این نقصان مهیب بود که امروز مردم بیچارهٔ مائثرات بی مبالائی وزرا ومادونان آنها را در برابر حکومت منقسم به دودسته ودر برابر مردم بیچاره را به چشم سرمیبیند ونمیدانند وزیر مروطه احیاناً به مقابل کدامیک ازین دودسته احساس مسئولیت میکند؟ دلیل نبودن وزیر دفاع ویک رئیس ارکان حرب تا حال در کشوریکه در گیر جنگ بالواسطهٔ پاکستان است، همین چیز است و مردم آشکارا میگویند هنوز دو رهبر رقیب وغیرهمکار، بر یک شخص مورد قبول هردو طرف به توافق نرسیده اند !

مردم شکایت دارند که چرا کشورشان فاقد یک رهبری اقتصادی سالم ومنسجم است وجراحکومت وحدت ملی سیر بین جریانات خوددسی و احتکار و انحصار باقی مانده وتحت شعار(اقتصاد بازار آزاد) که بزعم آن عرضه وتقاضا باید محرک پیشرفت آن باشد، از جمله اینکه شاهد فرار ۱۴۶ هزار تن از جوانان بیکارش در بیکال اخیر بوده شده است. بیاد دارم روزی به نمایندگی از زادیو صدای امریکا که در آن کنفرانس ملل متحد و کشورهای کمک دهنده برای افغانستان تحت نام(موافقه بر افغانستان) در سالهای ۸۰ دایر شده بود، از آقای

وزیر اقتصاد وقت دا کتر امین فرهنگ پرسیدم: چرا آلمان بعد از جنگ روش اقتصادی مختلط و تحت رهبری حکومت رابا کمک پلان مارشال دربیش گرفت و توانست به درجهٔ اول برای ملیونها فرد آلمانی بیکارش ایجاد کار کند، و چرا افغانستان ازهر حیث ورشکسته وریخته وبریشان که بدون از مامورین کهنه کار حکومتی مردم کاری را سراغ نمی بینند، راه آلمان وامثال آنرا دنبال نکرده است؟ در پاسخ بن گفت: ماتصمیم خود را گرفته ایم، حل معضلهٔ اقتصادی ما فقط از راه اقتصاد بازار آزاد ممکن است ویس !

مردم شکایت دارند که چرا رهبران شان درحکومت قبلی وفعلی هربار سعی کرده وسعی میدارند بعلاز اشغال قدرت، ملت قهرمان شانرا که عامل رسیدن به قدرت بوده وحاکمیت ملی از آن آنهاست، یکسره به دور از جریانات کشوری قرار دهند؟ چرا میخواهند فراموش نمایند که این ملت قهرمان آنهاست که با رشادهای پیهم نظامی وسیاسی شان امپراتوری های مسلط بر جهان رادرافغانستان بچاک وخون یکشانند، و سر آغاز افول آفتاب بی غروب بر تنبایای عظمی و چند سال بعدعامل اصلی سرنگونی قوهٔ شکست ناپذیر اتحاد جماهیر شوروی شدند. بعبارهٔ دیگر میخواهند بگویند چرا حکومت وحدت ملی بربر های قوای عظیم اتکا نمی کنند که بر غم شاهکاری وجنگهای مظفر جریکی و گر بلایی خودشان اینک صحنهٔ جنگ به مقابل دشستان شان سو گند خورده به دور نگهداشته شده اند. مگر این رهبران از تاریخ کشور شان اطلاع ندارند ونمیدانند که درهیچ جنگ درسرمین کوهستانی وصعب العبور شان به کمک جنگاوران دلیر بوده که از فن تعاملی حملات گر بلایی استفاده کرده اند. رشادت قوای دوصدهزار نفری اردو و ۱۵۹ هزار قوای پلیس وهمین تعداد سایر قوای امنیتی قابل ستایش زیاد است واما هنوز ثابت نشده این قوا به تنهایی بتواند در برابر جنگهای گریلایی طالبان قاطعانه پیروز گردد. پس چرا دولت از وجود شان استفاده نمی کند ودر یک محاسبه از آنها نیم دارد ؟

مردم میخواهند حکومت هر چه زود تر به جنجال دودستگی حکومتی در داخل ارگ خاتمه دهند ونگذارند پارلمان نیز که دورهٔ کار آن قانونا بلا اثر اهمال وفرو گذاشت ومجادلات داخل ارگ مدتها قبل به انجام رسیده ومسودهٔ قانون انتخابات پارلمان وشوراهای ولایتی تاکنون پارلمان بی صلاحیت ارائه نشده مواجه به مرگ گردد، که در آن حال ناکامی دولت افغانستان وسیعاً وحتى شاید بطور پیروزمندانه به نفع پاکستان ومزدوران اجیر آن تمام گردد.

حال درارتباط به رهبران حکومتی که تاحال جز سکوت در برابر جریانات کشور ، چیزی به گفتن یاقابل نقل نشنیده ام تادراین مقطع شرح میدادم. باحفظ حرمت به هریک شان، میخوامم دونکنه را خاطر نشان سازم: نخست باید بخاطر داشته باشند که در یک نظام دمو کراسی، بزرگترین گرانسنگ تضمینسانی –یک حکومت، میزان محبوبیت وبالاترین گراف رفیع اعتبار وحیثیت آن در نزد مردم ش است. اگر حکومتی نتواند به چنین موفقیتی نایل گردد، ختم وبیاهتر است گفته شود: مرگ آن حتمی خواهد بود. در ثانی، حکومتی که نکو شد قناهم و همکاری بامردمش را همواره سراغ ببیند وسعی نکند مردم راشریک غم وانلوه یا سرور وشادمانی خود سازد، وهمکاری شانرا درهر زمینه بخصوص درساحهٔ تأمین امنیت سراغ نینند، حتماً محکوم به تنهایی ونیستی خواهد شد. قضاوت براین دونکنه رابه رجال افغانستان میگذارم.

درارتباط به صحبت نهائی بامردم شریفم عرض مینمایم که تقاضا برای استغای حکومت درافغانستان سابقه نداشته بجز در یک مورد و آنهم در نظام دمو کراسی دهسالهٔ ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ در عهدسلطنت شاه سابق، هنگامی پیش آمد که تعدادی از معارفیان ومحصلین پوهنتون، بدنبال واقعهٔ تاریخی سه عقرب وقسماً به ترغیب وتشویق کمونیستها وتعدادی از راست گرایان افراطی ، حکومت داکتر محمد یوسف راودار به استعفا ساختند. اما چیزی را که میخوامم خدمت هموطنان بیان دارم، اینست که درهمچو تقاضاها، که نتیجهٔ آن در مرحله اول تشنجات فزاینده در کشورودامن زدن آن از سوی پاکستان خواهد بود، سعی کنند –حکومت موجوده را تا مبعادی که برای خودش قبلاً تعیین کرده، تقویه کنند و نگذارند ضعیفتر از آنچه هست گردد .

همه باید متوجه باشیم که رهبران دو گانهٔ حکومت در آغاز کار حکومت شان توافق کرده اند که بعد از گذشت دوسال سرنوشت حکومت غیر سالم شان رابا تدویر لویه جرگه وحضور نمایندگان قانونی مردم تعیین خواهند کرد. پس باید درانتظار آن روز باشیم ودم نقد به این نظر نگارندهٔ عاجز گوش دهند که میگویم : بزرگترین دشمن یک کشور، حکومت و مردم آن کشور، و بزرگترین دوست آن نیز خود حکومت ومردم آن است. والسلام !

تقاضات شمشیر و قبیله
(دنباله از صفحهٔ پنجم)

وسرزمین همهٔ ماوشا از طرف توطئه گران وبازر گانان قبیلولی ودین افراطی کاذب به گرو گان گرفته شده است. مردم حقیقت رامیدانند اما جرئت اقدامات لازمه را ندارند. اگر بیدار نگردیم میترسم شهای سیاه و سرد وآیندهٔ ترسناک تری درانتظار ما باشد. رهبرت امروز کشور توسط یک زاغ ظلمت سرشت و همکار خائن وبیرحم اودارند این سرزمین باستانی ومردم آنرا در معرض لیلام بگذارند. آنها یعنی دین افراطی وقبیله گرایان به فریاد اعتراض هزاران باشندهٔ این سرزمین که درحلال کردن مردم شان توسط همکاران حکومت –تقاضای عدالت دارند وقی نمیکذارند. آنها به فریاد بپسران و کود کان جوان پکیبا، خوست وننگرها که دروید یوهابازبان پشتوا زطم، استبداد ووظرفروشی حکومتشکایت دارند، وباکفتار هیجان انگیز مردم را ازواقیعتها آگاه میسازند، اصلا توجهی ندارند. می ترسم با گذشت زمان مثلیکه مرگ فرخنده به فراموشی سپرده شد، خاطره ها پزمرده شود ومقصداصلی ما برای آزادی وسرفرازی وافغانستان مترقی و متجدد ضعیف گردد .

اعتمادامکشورهای دیگر برای احیای مجددافغانستان خواب وخیالی بیش نخواهد بود. در شرایط فعلی رهبران ودولتمردان افغانستان اقتصادخود را ازراه گدایی حصول میکنند وسیاست خارجی شان از طرف با داران شان تعیین میگردد.

کلیداساسی ورزمؤفقیت دردست تمام مردم افغانستان میباشد. بیداری وآگاهی مردم واقدام عاقلانهٔ شان نقش اصلی در موفقیت آنها دارد. دین افراطی اسلامی افغانستان از دین مقدس اصلی اسلام فرق دارد. این دین افراطی مثل آن لباس بافتگی امپراتور توسط دو مردم دغل و کاذب است و ازاسلام حقیقی یعنی خدا پرستی، صلح، عدالت وخدمت به مردم فرق دارد .

تصمیم وارادهٔ مردم افغانستان و یک انقلاب فرهنگی توأم با بیداری مردم، این دومرض خانمانسوز دین افراطی و ناسیونالیسم قبیلولی را درین کشور صدقوم و زبان وعشیره شکست خواهدداد. ملتفت و بیدار باشیم که :

(امپراتور لباس در تن ندارد.) ! /

دنبالهٔ پیام ها

همایون یونس، پسر عمهٔ پدر : روح شاد باد برادر زادهٔ عزیزم

دگر شمع میارید که این جمع پراگند

دگر عود مسوزید کرین بزم صفارفت

لب جام میوسید که آن ساقی ما خفت

رگ چنگ بیرید که آن نغمه سرافت

نامهٔ تسلیت

با کمال تأسف و تألم عمیق ازفوت شخصیت وطندوست، صادق، پرهیز کار ونویسندهٔ توانا، متدین، دمو کرات واز خدام سابقه دار کشور، مرحوم خلیل الله التزام، سابق ولسوال رستاق ولایت تخار، به اثرمریضی درین اواخر درشهر المیدای کالیفورنیا بر حثت حق پیوست. انالله واناالیه راجعون.

جنازه باحضور جمع غفیری اعضای خانواده ودوستان درهمان شهر محترممانه بچاک سپرده شد. سپس برادر دانشمندما جناب پروفیسر داکترذبیح الله التزام استاد یونیورستی درایالت اریزونای امریکا از سجایای نیک وخدمات صادقانه وطولانی مرحومی به مردم کشور صحبت فرمود.



شادروان خلیل الله التزام

دوستان واهل قلم و دانش وملت عزیزبه عرض میرسانم وبه روان پاک مرحومی دعا ودرودمیفرستم. روحش شاد وباش گرامی باد.
صفی الله التزام، ژورنالیست میدای آزاد افغانستان در امریکا، نیویارک /

ادارهٔ امید وفات مرحوم خلیل الله التزام رابه همکاران ارحمندخویش جناب پروفیسرذبیح الله التزام و آقای صفی الله التزام و کلیه بازماندگان ازصمیم قلب تسلیت میگویند. /

انتشارات تازه (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

که در گذشته روی آن براساس منابع دورهٔ اسلامی جر و بحثهای فراوان صورت گرفته است، بدون آنکه به کدام نتیجهٔ رضایت بخش رسیده باشیم ـ اکنون بنابه کشف آثار دورهٔ پیش از اسلام میتوان روی این واژه بهتر روشنی انداخت.
درین رابطه ماسه متنب مهم داریم که عبارت اند از :

۱- سنگ نبشتهٔ باختری یکاولنگ در استان بامیان (افغانستان). این سنگ نبشته درسال ۳۹۹تقویم باختری(برابر با ۶۲۴م) به فرمان (الخیس پسر خراس خدیوی گزان) به مناسبت پیروزی ویا انتخابش یحیث پادشاه تازیک (تاجیک) نگارش یافته است. این اثر تاریخی اکنون درموزهٔ کابل نگهداری میشود.

۲- سکهٔ یک شاه خراسان بالقب افتخار آمیز (قبصر روم خدای بزرگ، شاه تازیکان).

۳- برگی از یک نسخهٔ خطی بزبان مانوی پارتی که درمجموعهٔ تورفان باشمارهٔ ۳۳۹M درآلمان نگهداری میشود. این نسخهٔ ناقص که متن آن دستورالعمل برای نیایش است باعنوان (پر تازیکانه آواک)، یعنی (به زبان تازیکی) آغاز می شود.

اکنون میخواهم این واژه را از دید زبانشناسی تاریخی توضیح دهیم. امااز آنجاییکه من درین مورد در گذشته رساله یی بزبان آلمانی به افتخار باستانشناس نامدار کشور، استاد زمریالی طرزی، رئیس پیشین مؤسسهٔ باستانشناسی افغانستان، اکنون استاد دردانشگاه استراسبورگ فرانسه، نوشته ام، بنابر آن برگردان فارسی این مقاله را بااضافاتی اینجا برای آگاهی بیشتر خوانندگان به عنوان فصل جداگانه می آورم...

مؤلف عزیز داوری، راجع به سنگ نبشته درصفحهٔ ۷۳ کتابش چنین معلومات عمده را ارائه میدهد: (سنگ نبشتهٔ باختری روی یک تخته سنگ چونه یی به بزرگی ۳۳ در ۲۵ سانتی متر حک شده است. پیش از آنکه سنگ نبشته حک شود، روی سنگ نبشته صافکاری شده است. سنگ نبشته شامل ۱۳ سطر است که هر سطر آن به اندازهٔ دوسانتی متر از همدیگرفاصله دارد. مناسفانه بخش بزرگ سطر اول وبخشی از سطر دوم در اثر جدا کردن سنگ نبشته ازدیوار ستوپه توسط دزدان ویران شده است. این خلاء را کوشیدم از طریق سلابت های بانو بریگینه نویلخر و عکسهای آقای شوتیک از سال ۱۹۹۶ تکمیل نمایم ـ حروف چهار سطر اول خیلی بزرگ و عمیق، اما بقیهٔ سطر ها کوچک و سطحی حک شده است. علاوه تا قسمتهای فوقانی سنگ نبشته توسط دیوار استوپه از تخریب نجات یافته، در حالیکه بقیه در معرض خطر مستقیم تخریب با آب قرار داشته است. متن سنگ نبشته اشتباهات املایی دارد. بعضی کلمات نوشته نشده وبایر عکس بعد از تخریر به سطر ها اضافه شده اند. متن سنگ نبشته طوری وانودمیکند که حکاک (به عبارت دیگر: نویسنده) به زبان باختری تسلط کامل نداشت، یا اینکه حکاک چندان ماهر نبوده و یا در نوشتن عجله داشته است ـ همهٔ این عکسها در آزمایشگاه (لآبراتوار) عکاسی زیر پرتوهای اشعهٔ گوناگون دیجیتال قرار گرفت. اگر چه نتیجه رضایت بخش بود، باز هم سعی کردم تاهمهٔ این عکسها راتحت تحقیق لآبراتواری فرنسک Forensikقراردهم. این طرز العمل فنی بیشتر در آزمایشگاههای امور امنیتی وجنایی در اروپا به منظور خواش دقیق اسناد برای دادگاهها استفاده میشود...

تاریخ نگارش سنگ نبشته مربوط میشود به تقویم باختری ـ آغاز تاریخ این تقویم را آقای هلموت هو میاخ (هند و ژرمن شناس) آلمانی ازسنگ نبشتهٔ دوزبانی توجی (یعنی زبان سانسکریت و باختری استخراج نموده است، که برابر باسال ۲۳۲ میلادی می باشد ـ

بامیداینکه علاقمندان تاریخ، کتاب پرمحتوای مؤلف گرامی آقای داوری را سر تا پا با دقت مطالعه کنند، معرفی مختصر آن را با آرزوی صحت وسعادتش باین بیت حضرت مولینا از کلیات شمس تبریزی خاتمه میدهم ـ

اگر تُرک است و تاجیک است، بدو این بنده نزدیک است

چو جان بان، ولیکن، تن مبیند هیچ مر جان را

دنبالهٔ پند به هم میهنان

مجنون عشق لیلی کهسار کشورم

یاران مرا به جرگهٔ دیوانگان کشید

(باقی)بدون رب وفادار میهن است

او را برای تجربه و امتحان کشید

بهرجلو گرفتن راشی و مرثشی

با رتش صداقت خود پاسبان کشید

(ارسالی جناب استاد احمد راتب، از نیویارک)

داکتر میر محمد امین رافق

در فراق نور دیده محمد عصیم جان

در حالیکه سرشکی از غم وانموده، بام دیده ام را تا کام مرگ می پیماید، بعد از تقدیم سلام به برادر بزرگوار جناب کوشان صاحب، که دل شان را کوهی از درد، حوالتی محکم آورده است، تسلیت ودعایی دارم که الطافاً بپذیرند.

لحظهٔ پراز همه درد، وبسیار جانگداز بود تا شنیدم که ارحمنزنده یاد عصیم جان معصوم را، دستی از کران اجل با خود برد، انالله واناالیه راجعون ـ

من آن جوان خوش برخورد، آرام و مؤدب را به کرات در منزل خود شان دیده بودم ـ او از خصایل پسندیدهٔ انسانی، اسلامی وافغانی فراوان بهره داشت، که آتهمه را می شد مدیون زحمات همیشگی مادر و پدر مهربان ودلسوزش خواند ـ

خداوند (ج) عصیم جان را بیامزد، با قبول اینکه هیچ بنده ای حکمت خدای بر حق را خوانده نمی تواند، ولی با ایمان راسخ بر آن ذات بنده نواز، میشود گفت که خداوند پاک، عصیم جانی را که سالهای سال از تکلیف مزمنی رنج می کشید، بداسنو کشید و بی رنجش ساخت و گفتنی است که من هم تا حدی از تنوش روانی اش آگاه بودم، که مراتب تأسفم را همیشه افزون نگهداشت. بهمه حال، دوستان عزیز و گرانقدر، فریاد گلو گرفته ام را درین شعر مطالعه نمایند :

فریاد که آن گوهر فرخندهٔ ما رفت

فریاد که آن شمع فروزان حسیا رفت

فریاد که آن مظهر الطاف و صفا رفت

دریاد که برگلشن ما ، قهر شتا رفت

ای دوست، مرو غافل ازین گوشهٔ فریاد

زهار صدایی است، درین کوچهٔ فریاد

سیلاب زمان سرکش و بی دادگر آمد

وز حکم اجل، عمر جوانی به سر آمد

کاشانهٔ کوشان، همه را چشم تر آمد

مادر پدرش ، خون دل و خونین جگر آمد

یار رب که دگر درد در آن خانه نباشد

جز صبر در آن جا دگر افسانه نباشد

بی حکمت حق نیست چنین رفتن خاموش
واین عالم دردی که نشایست فراموش
هر دوست درین سانحه با درد هم آغوش
هر چشم درین مرز، به هر مژه سیه پوش

یارب چقدر درد کشان رفت عصیم جان

بنواز به لطفش ، که جوان رفت عصیم جان

معصومیتی داشت عصیم جان که مپرسید

آن قدر صمیمی و قدردان، که مپرسید

محبوبیتش در صف یاران که مپرسید

از عشقش و از قوت ایمان که مپرسید

اما هدف ششـطهٔ طوفان اجل گشت

جان داد به جانانه و مهمان اجل گشت

ادعـیهٔ پیوسـتهٔ این هیچمدان را
باشد پذیرد کـرم اـبـزد یـکـتا
کـآن گلـین خوشـرنگ که رفت از چمن ما
باجنـتیـان باشد و محـشور اـحـبـاء

اینست نیـاز من دلسـوخـته هر دم

چشمیم بر الطاف خـدا دوخته هر دم

تا چند درین سوختن مـجـمر هـجران

صبری ز خدا می طلب ای بـسـمل حـرمان

کز صبر به هر درد رسـد دارو و درمان

تسلیـم قضا باش چه حـیـران چه خـرامان

کز عـجز تو راهـی به در باز تـری هـست

در عرض شکست تو، نمود ظفـری هـست

رافق چه نویسم من ازین انجمن درد
آوخ که به جز درد، نـدـارد و طـن درد
گردست دهد پـاره کـنـم پـیرهن درد
هرگز نهراسم دگر از تـاـخـسـتن درد

اینجا رقم ناب تـوـوکل به خدا را

در جـلـوهٔ پایـان سـخن می کـنـم انـشا

شادروان باقی قابل زاده

پند به هم میهنان

هم میهنان! صدای مودّت عیان کشید
چون مرغ حق، ز شاخ محبت فغان کشید
این پنبه ها که شب بنماید ستاره نام
روز تـکـان ز گوش کر آسمان کشید
پیران مرز و بوم جوانان شهر و ده
ضفاف و تفرقه، تیر و کمان کشید
در منزل شرافت وحدت شویـد جمـع
با دست باهمی، همهٔ دشمنان کشید
گر اختلاف مذهب و قومی ومسـلـکی
دارید، بهر حفظ دیانت ز جان کشید
خواهید اگر سعادت دایم، عرایضی
دارم به شرط آنکه به طبع روان کشید
بویکرو عمر است و عثمان و هم علی
سرمشق زندگی، روش آن کسان کشید
وقت خلافت آن و سر و سردار مردمان
گفـتـنـتـد امتیاز نژاد از میان کشید
پشتون و تاجک و قرل و ازبک و مغل
این اسم ها ز دفتر ملی روان کشید
تنها به نام ملت افـغـانـسـتان همه
آید جمع و مطلب خود شادمان کشید
تا در زمین سینه نگارید تخم مهر
ناممکن است خوشهٔ آمال تان کشید
گر معدن طلا و مس وقرقه وآنشد
سنگ زغال بیشتر از لای کان کشید
بر کشت کوکناروحشیش آتش افکـنـید
همت کنید و مزرعهٔ زعفران کشید
زیتون اگر نشد، بنشانید جنب آب
روی جبال تخم گل ارغوان کشید
دریای گلپهار کف آلود می رود
بندی زبید وجانب دشت و دمان کشید
گرچشمه سارفت عبث مانده در زمین
از کنجد و زغر به تلافی آن کشید
آخر زمین که خیلی زیاداست دروطن
ماشین چو نیست بیل و کلند و ودان کشید
از انقلاب خون بگریزد دوستان
براقـلاب فکر، همه تیغ زبان کشید
گویند نقص های حقیقی مملکت
مردانه وار معنی لفظ از بیان کشید
آنانکه دل به دولت ییگانه بسته اند
غیرت کنید وهستی شان از جهان کشید
هر کشوری که چشم طمع دوخته به ما
خیزید چشم شان ز قفا با سان کشید
تاکی چون خون مرده نشیند بین ریگ
پای زبید و سر ز عروق نهان کشید
ای اغنیا شما گر ازین خاک ولـمـتـید
دست به جیب برده ومشتی قران کشید
آخر تقدی به بنیم وغریب و عور
حاتم شوید و بار غم ناتوان کشید
ای عالمان زباب سیاست زویددوراین غسل حیض نیست که فصل و گمان کشید
ای حاکمان کمی به وظایف شوید گرم
دلسرد گشته خلق مبادا زبان کشید

هُوالله

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر ـ یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر ـ یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر ـ یکسال (۱۲۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

ابرار تسلیت

در دیست غیر مُردن، کآن را دوا نباشد

پس من چگونه گویم کین درد را دواکن
خواب عصیم نازنین را خوابگاه ابدی اش آرام، روح و روانش رادر جنت برین، و داغ و درد جدایی اش رابه شما آقای کوشان وجناب والدۀ ماجده اش بی بی حاجی داکتر ثنیله کوشان وبرادردانشمند ودپلوماتش جناب محمدقویم کوشان و کلیهٔ بازماندگان ازصمیم قلب و با حرمت وصمیمت بی کران تسلیت میگویم. خداوند بقیۀ تان را در پناه رحم و کرمش حفظ بدارد. آمین
شیریندل شجاع، حاجی محمدعمر شجاع، محمود محجوب، ناصر شجاع، شیر شجاع و محمدداؤود رسولی

اظهار امتنان و شکران

از مؤسسهٔ افغان اکادمی، مسئول امور اموات افغانهای مقیم ورجنیا، بویژه ازانجنیر محمدهاشم رابق رئیس، وانجنیرامان امین معاون آن موسسه که از آغاز تا انجام مراسم تدفین به شایستگی تمام خانوادهٔ داغدار کوشان را یاری ودستگیری کردند، واز خادمان مسجد مبارک حضرت مصطفی (ص)، آقای اقبال حسینی رئیس ادارهٔ مسجد، و خاصاً از فضیلتماآب حافظ کلام مجید، جناب قاری ولی مبارک امام مسجد، که در مراسم تدفین وختم کلام الله مجید پس از محفل فاتحه باصمیمیت نهایت صادقانه وبرادرانه، ودوستی که با مقتدی اش مرحوم محمدعصیم داشت، با قرائت قرآن شریف و کریم ودعاهای عاجزانه به خانوادهٔ کوشان غشربکی نمود، از نهٔ دل سپاسندم ـ
از بارگاه الهی می طلبم تاخاتواده های محترم ذوات فوق الذکرو تمام هموطنان وتامم انبای آدم علیه السلام را ازچنین حادثه در پناه ذات مکرمش نگهدارد. آمین.
خاک محمدقوی کوشان *****

استاد عبدالعلی نور احراری

بازگشت همه به سوی اوست !

مرثیه در رثای

فرزند دوست عزیزم محمدقوی کوشان مدیر مسئول جریده امید

جوان پاکزادی از جهان رفت

خدا جوی و خدا ترس و جوانمرد

در این دنیای فانی چند روزی

بهار زندگانی را بسر برد

مرادش چون نشد حاصل به دنیا

(عصیم) آن مهربان مرد خدا جوی

بشد بر جام عمرش در جوانی

ز لذات جهان کاش روا نی

مصیبت یش از این نبود که مادر

(ثنیله) بهر تو صبر جمیلی

شکبایی برای دوست (کوشان)

شریکم در غم و اندوه کوشان

ندامم چون گذشت بر والدینش

برفت و دیده ها شد اشک ریزان

رهید از این جهان این دار فانی

اعلامیهٔ انجمن صلح ودموکراسی برای افغانستان

با یادآوری مجدد چهاراصل اهداف انجمن صلح ودمو کراسی برای افغانستان، که متکی است بر وحدت ملی، تمامیت ارضی، عدالت اجتماعی و دمو کراسی، وباعرض تسلیت به بازماندگان قربانیان حملات خونبار و کشتار مردم بیگناه افغانستان در هفتهٔ قبل وقربانیان حملات هولناک تروریستی بر مردم غافلگیر شدهٔ پاریس، شورای عالی انجمن، نکات ذیل را تذکر می دهد :

۱- هر دو حادثهٔ فجیع تروریستی، هوشداری است برای نهادهای ملی و بین المللی وحکومتها وقدرتهایی که هنوز میتوانند بایک اقدام جدی و مؤثر جلو گسترش تروریسم رابگیرند، و هر چه زودتر از گفتار به کردار پیگیر و عملیات مقتضی برضد این پدیدهٔ وحشتناک وغم انگیز قرن، اقدام نمایند.
۲- در افغانستان باید وحدت ملی سرتاسری راستین و گسترده بامراعات عدالت اجتماعی برقرار گردد، وباکمک نهادهای بین المللی خاصاً ایالات متحدهٔ امریکا که موافقتنامهٔ امنیتی رابا افغانستان امضانموده است، منابع ارسال و مسلح ساختن تروریستها، خاصاً از سرحدات پاکستان شناسایی گردد واز تکرار دهشت افگنی هاو آدمکشنها ونفوذ در شهرهای افغانستان ودر حملهٔ گسترش ودستبرد به مناطق شمال کشور قاطعانه جلو گیری به عمل آید ـ

۳- وقت آنست که مودمو افقتنامهٔ امنیتی در راستای برقراری امنیت در افغانستان واقدام جدی ضدمتجاوزین وتروریستها، در عمل پیاده شود، چنانچه راجع به گسترش این گروهها، روزنامهٔ نیویارک تا بمز چند روز قبل چنین گزارش داد: (اکنون طالبان درمقایسه باسال ۲۰۰۱ در بسیاری از ساحات افغانستان وجوددارند. یکماه پیش طالبان توانستند باچندصد فترنجگو، شهر قندز را اشغال کنند، افزاداعامل شبکهٔ القاعده هنوز هم در مناطق کوهی حضور دارند که یک فصل پرخاطر رادر جنگ پدیدار ساخته است...)ـ

۴- کوچ وفرار دستجمعی طبقهٔ جوان افغانستان بسوی کشورهای دیگر، در حالیکه بکعمداد آنها منور و تحصیل یافته میباشند(همانطوریکه شورای عالی این انجمن قبلاً ازچنین آیندهٔ هوشدار داده بود)، یکی ازضربه های مهلک برساختار اجتماعی وبازسازی افغانستان به شمار می آید، لذا هر چه زودتر باتولید کار وتأمین روند تحصیلی وحفاظت فامیلی شان، در جلو گیری پیشرفت این بلیهٔ اجتماعی، اقدامات مقتضی صورت گیرد.

دارالانشای انجمن صلح ودمو کراسی برای افغانستان، یست نومبر ۲۰۱۵، ایالت ورجنیا، ایالات متحدهٔ امریکا

اعتماد

از دانشمندان گرامی که با تحمل مشکلات، مقالاتی برای این شماره امید ارسال فرموده اند، وبخاطر تسلیت نامه ها، از چاپ بازماند، صمیمانه عذر میخواهم، ان شاءالله در شمارهٔ آینده که به موعدمعین چاپ میگردد، انتشار خواهد یافت ـ

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هرچه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسمبر ۲۰۱۵ ارسال دارند.

تلفون ۰۵۷۱-۴۳۵-۴۶۰۴
 mkqawi471@gmail.com
 Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

The Most Widely Read Afghan Publication in the World,
Volume 24, Issue No. 1009 , December 11, 2015, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

**Memoirs of Khalilullah Khalili: An
Afghan Philosopher Poet – A
Conversation with his Daughter,
Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554
pages, \$19.99) is available in paperback
in English and Persian
at www.amazon.com.**

Mohammad Kaweem Koshan **December 2 at 12:01am**
Verily we belong to God and to Him we shall return.

I do not have a Facebook page, so I have asked my beloved wife to share these thoughts with all of you.

First, my salaam and thanks to everyone – family, friends, those close and far away – for their prayers and thoughts on the passing of my precious brother, Aseem jan, Allah yarhamu. May God grant all of you a long, healthy life with firmness in Islam and the assuredness of Iman. And to everyone who helped our family in the past few days and those who are organizing fatiha. May God reward you with His limitless Love and Mercy.

Second, while I no longer mourn as the three days of grief allowed by Sharia have now passed, I continue to make du'a abundantly on Aseem and all those who have passed before us. This is what Aseem would have wanted as he was strong in his aqeeda, then and now setting a beautiful example for his family. As a corollary, I draw several lessons from his life. None of this is meant as a boast, which Aseem eschewed; he was humble from childhood and his heart was clean, true to the meaning of his name, from arrogance and pride.



MOHAMMAD ASEEM MOHAMMAD KAWEEM

Lesson one: Jahl and tawwakul. Upon entering his room a few days ago, we read the life plans he would continuously update. Priority was on advancing his university studies and Islamic knowledge. He had a goal of memorizing surahs on a regular basis and strategies for getting good marks in school. The book in his room reflected this. This was his jahl – or striving, true to the meaning of his surname. His papers also included a long list of issues on which he had prayed istikhara, accompanied by duas he would recite for general and specific guidance from the Almighty. This was his tawwakul – or reliance on God. We see now, even more clearly than before, the Islamic tenet he sought: balance between personal effort and unwavering trust in God. May God grant us the ability to have jahl and tawwakul as balance in our earthly life.

Lesson two: Speak truthfully, avoid harm. If there was anything that made Aseem upset, it was untruthfulness and any form of backbiting. Even culturally accepted white lies and gossip caused him pain. This would sometimes cause anger among others, even us, but Aseem -- while gentle and respectful in his admonition -- understood that he would ultimately answer to God for his actions and reactions. If the admonished did not listen, Aseem would quietly withdraw from their company. He found companionship with his Lord more pleasing. His concern was for everyone and everything. Once a family member found Aseem's car on the side of the road. Upon approaching Aseem to ask if he was okay, Aseem said he had seen an animal hurt along the side of the road. He wanted to see if he could find the animal and seek it help to stop its suffering. May God grant us a heart like his, one that is at once tender and merciful, strong and steadfast.

There are many more of these stories and lessons I can share. But these, I feel, best capture Aseem's 33 years of earthly life. It was there when adhan was given in his newborn ears, and I was there in November 2015 to pray Aseem's janaza namaz whose adhan had been given in September 1982. I looked up to him as my younger brother, as a role model; thankfully I made sure he knew that when he was still with us.

May God grant Aseem eternal Peace and Mercy, and make his grave spacious, luminous and with windows opened upon Paradise.

Victory and guidance is from God, and may He forgive me for any errors in what I have written.

W'Salaam, Kaweem
: دختر عمه My dear Cousin Mohammad Aseem
Koshan I can't believe you are no longer with us. No one and
nothing can replace you in our hearts. May Allah grant you a
high place in jannat and may your soul rest in peace. You will
always be in our hearts إنا لله وإليه راجعون We surely belong to
Allah, and to him we shall return

**امید را برای دوستان تان اشتراک کنید.
مطمئن باشید از شما ممنون می شوند.**

باران نم می بارد، به روی تن خسته من
و از مرز گونه هایم می لغزد، روی خاک

بی طرح
صدای قطره ها می پیچد، میان سوزش
صدای من

و بادی نا آشنا، مرا پریشان می کند
نگاهم تصویر خورشید را، یادش رفته
و از اندوه ابرهای خاکستری، ماه غبار
گرفته

روزی به روشایی نیست
و آسمان اعتبارش را از دست داده!
به شکل سایه ات شده ام،
که در خلوت خود، می جوید زیبایی ترا
شاید سرنوشت من ناشی بود
که میان ظلمت هدایت کرد مرا
و من زیر فشارِ تشییبِ زندگی خم شدم، و
ندانستم
کجای زندگی لغزیدم، که سرگردان
ماندم

نامزدت، فرشته نجوا کوشان

یاران من می بارد
 کی بی حسنه من
 ه فایم می لهره
 حاک بی طرح
 تیره ها می بچد
 یورش صدک من
 وادی باسنا
 برینسان می کند
 تاهم تصور من را
 پادش رفته
 های خاکسری
 ماه غبار گرفته
 زونسانای نیست
 را از دست داده
 شایه ات شده ام
 در خلوت خود
 جود زیبای ترا
 می سرنوشت من
 ناشی بود
 ک هدایت کرد ترا
 و من زیر فشار
 یدگی خم بستم
 و ندانستم
 یدگی لهره

آنها را بدست آورد. در سال ۲۰۰۵ پس از چهار سال لایسینگ از طرف پاکستان جارج بوش موافقه کرد که به هر اندازه ای که پاکستان بخواهد طیارات اف ۱۶ بخرد. فروش ۳۶ طیاره ازین نوع به پاکستان و ۲۰ چرخبال هجومی همراه با ۱۵ طیارهٔ استخباراتی درون، تهداب روابط آینده را با اسلام آباد گذاشت. فروش طیارات اف ۱۶ قسمتی از یک طرح وسیع تدارک سلاح بود که امریکا پس از ۱۱ اسیستمبر به پاکستان داد. تسلیمی سلاح با کمکهای مستقیم مالی همراه بود. ادارهٔ بوش به خاطر حصول همکاری با پاکستان در حفظ یک دهلیز انتقالات به افغانستانو تشویق مقامات نظامی آن به مقابله با جنگاوران قبایلی آنکسور، به پاکستان پول داد. اگرچه باین پالیسی در آزمان حکومت بوش راه اندازی شد، با کمی تعدیل در ادارهٔ اواما ادامه داشت. باوجودیکه اواما ازخلاف ورزیهای پاکستان آگاه بود، مثل ادارهٔ بوش قادر نشد یک پالیسی طرح کند که همسویی امریکا را با پاکستان محلودسازد. در نتیجه امریکا به پرداخت پول به پاکستان ادامه داد، که چون ممدتهاست علیه باغیان در مجادله میباشد، مستحق کمک و حمایت امریکا میگردد. تقاضاهای ستراتیژی جنگ کنونی آسیای جنوبی با تقاضاهای زمان جنگ سرد تفاوت دارد. ولی مرکز روابط پویای امریکا با پاکستان بدون تغییر ادامه دارد. امریکاخلاف رفتارهای پاکستان را نادیده می گیرد، زیرا این مربوط به رهبران پاکستان میباشد که اکنون جسان بادشمنان امریکا در منطقه، در گذشته، شوری و حالا آمیزه از گروهای جنگجو، فعال در افغانستان و پاکستان مبارزه میکنند. در نتیجه امریکا هم به توسعهٔ سلاح اتومی با پاکستان و هم به دهشت افکنان تروریست اسلامی کمک کرده است تا به نگرانی هارسیدگی نماید. با این بخش نخست /

پیام‌ها به شادروان محمد عصیم کوشان (دنیاله از صفحهٔ چهارم)

امین ولی پور: خداوند عصیم جانرا غریق رحمت کند وبه شما صبر و آرامش از دربار خود بدهد برادر گل.

نسرین گروس ابوبکر: ازین راه دور خبر جانگماز و استخوان سوز را شنیدم.
برای شما و ثمیله جان و قویم جان صبر جمیل و برای عصیم جان بهشت برین
استدعا می کنم.

و سخن آخر از پدر دلسوخته آن جوانمرد جوانمرد، از فیسبوك
چه لیونی گزیده غم دهجران دی ملامت نه یم خلکو یار به ما گران دی
عزیزان! ببخشید، یک دوحرفی داشتم نا گفته ماند! به دنبال این شعر وصف
الاحال تمیله واین خاکسار دوسه ننگه داشتم تا به شما بگویم: شخصیتیکه شعر این
آهنگ زیبا را گفته، جگرسوخته چون من بوده حالا شاعرش چه رحمان بابای
پدر شعر پشتو یا بهایی جان شاعر عاشق پیشه یینوا و جانباخته بوده، من درین شعر
و آهنگ خود را یافته ام. شاید و ممکن است پس از چاپ شماره تازه امید،
بسیاری بمن ایراد بگیرند که بابا! تو که در پیشانی نشر به نوشته ای: نشریه مردم
افغانستان! چطور شد که این شماره را فقط به عصیم اختصاص دادی؟ اینها حق
اند و بنده حرفی در دفاع ازین کار خود ندارم، ولی و اما و اگر، بسرم محمدعصیم
مهمترین شخصیت برای امید بود، همکاری ازجان گذشته، من تنها به دلیل فرزند
بودن، بل به دلیل همکاری بودنش این کار را مرتکب شدم. خدای بر من ببخشد، و
اگر خدا ببخشد، شما عزیزان نیز براین خاکسار خواهید بخشید. بهترین خاتمه این
معرضه را خوبست با پیشکش کردن دوباره این ناله جانگداز خاتمه ببخشم:

چه لیونی گزیده غم دهجران دی ملامت نه یم خلکو عصیم پر ما گران دی! الله حافظ

ایک متحد و متقلب

پاکستان نشافت. پاکستانها میگویند امریکا پاکستان را ضدشوروی به جهاد افغانستان درده هشتاد کسانید و پس از آن که اهدافش برآورده شد، پاکستان را تنها گذاشت که با مشکلات بعدی ناشی از آن دست و پنجه نرم نماید. پاکستانها فکر میکنند که امریکا غیرعادلانه از توجو بلدهی طیاره های جت جنگی اف ۱۶ فروخته شده به پاکستان ابا ورزید، زیردادر ۱۹۹۰ علیه پاکستان تعزیرات وضع کرده بود.

همه مثالهای داده شده، فصله تکراری تاریخی پاکستان، تحریف حقایق میباشد و با کاملاً افسانه. امریکا تهدید کرده بود که پاکستان را در جنگ ۱۹۶۵ با هند کمک میکند، زیرا از یکطرف پاکستان خودش جنگ را آغاز کرده بود، و از سوی دیگر تمامی موافقتنامه ها با پاکستان تنها در برابر تهدید کمونیستها بودند. در حقیقت تخریاتی که پس از آن جنگ بر هر دو کشور و هندو پاکستان وضع شده بود، امریکا قانونی نمی تواند به پاکستان کمک کند. با آنهم حکومت نक्स به حمایت پاکستان شفاف و بنادیده گرفتن قانون امریکا، کمک نظامی در اختیار پاکستان گذاشت، با وجودیکه مامورین امریکا می فهمیدند که پاکستان نسل کشی و ادرا پاکستان شرقی (نگله دشر) راه انداخته بود.

در جریان دههٔ بعدی، امریکا بصورت متواتر تهدید خود را دربارهٔ عدم انتشار سلاح اتمی، به نفع حکمرانان پاکستان مصالحه نمود. و قتنا که افغانستان در دسامبر ۱۹۷۸ در پی نظامی ناشی از مداخلهٔ شوروی قرار گرفت، حکومت کارتر فیصله کرد عزتبررات اتمی پاکستان را کنار بگذارد، در عوض از تلاشهای پاکستان در زدودن قوای شوروی از افغانستان حمایت کرد. ضیاالحق پیشنهاد ۳۲۵ میلیون دالر کمک امریکا را به پاکستان رد کرد و خواهان معاملهٔ بهتر پس از نتایج انتخابات ۱۹۸۰ امریکا گردید. ضیا درست فکر کرده بود، رونالد ریگان با پیروزی در انتخابات و گرفتن قدرت در ۱۹۸۱ عزتبررات سال ۱۹۷۹ را رفع ساخت و یک بستهٔ کمک سه میلیارد دالر و دو صدمیلیون رانرای شش سال به پاکستان بشنهاد کرد.

بر خلاف این ادعا که پاکستان به جهاد افغانستان توسط امریکا کشانده شد، تسلسل و اوقات نشان میدهد که پاکستان بخاطر کسب نفوذ بر حکومت کابل، از جنگ مجبوران اسلامی افغانستان به هزینه خود در سال ۱۹۷۴ پنجمال پیش از اشغال و خزانة امریکا را به مبارزه طلبید که خود سالها در آن درگیر بود. درباره افسانۀ طیارات جت جنگی اف ۱۶ باید گفت که تا سال ۱۹۸۴ اعضای سی آی ای با شماری از اعضای کنگره که در مورد عدم انتشار سلاح ذروی کار میکردند، نگران آن نشان دادند که پاکستان برنامه ای خود را از پول امریکا انکشاف می دهد. دیگران در قصر سفید و کنگره و کسانیکه عملیات سری سیا را در افغانستان میکردند، نظر داشتند که امریکا باید اهداف عدم انتشار سلاح ذروی را برای امریکا علیه تهدید بشود و در افغانستان کنار گذارد.

در پنجسال بعدی که پاکستان در پیشبرد برنامهٔ اتومی خود ادامه داد، بسیار مشکل بود بصورت یقینی فهمیده شود پاکستان سلاح اتومی نساخته بود. در سال ۱۹۹۰ بالاخره رئیس جمهور یوش (پدر) از رفع تعزیر انکار نمود و تعزیر در سال ۷۹ دو باره شکل قانونی گرفت. ادامهٔ تعزیرات پاکستان را از دسترسی به ۲۸ بال طیارهٔ مذکور که در دههٔ هشتاد رخ داده بود، محروم ساخت و پول نگهداشت و ذخیرهٔ آنها بدوش پاکستان افزودند. اگرچه حکومت کلتن مشکل راز طریق فروش طیارات به خریدار دوم حل نمود و پول پاکستان را مسترد کرد، پاکستان بعدها